

حکمت

(در دولت کریمہ اہل بیت علیہم السلام)

حاج رہبر علامہ محمد باقر مجلسی قدس سرہ



رجعت

علامہ محمد باقر مجلسی
رضوان اللہ تعالیٰ علیہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجلسی محمدباقر بن محمدتقی، ۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ ق.
رجعت / علامه محمدباقر مجلسی؛ تصحیح و تحقیق
مرتضی جنتیان - اصفهان: کانون پژوهش، ۱۳۷۹.
۱۰۰ ص. ISBN : 964 - 6017 - 22 - 3

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
۱. رجعت - احادیث ۲. احادیث شیعه - قرن ۱۱ ق. الف.
عنوان.

۲۹۷/۴۴

BP۲۲۲/۴/م۳۳

۱۳۷۹

۷۸-۱۹۳۶۳ م

کتابخانه ملی ایران

رجعت

علامه محمدباقر مجلسی «ره»

به کوشش: مرتضی جنتیان

ناشر: کانون پژوهش

نوبت چاپ: اول ۱۳۷۹

تعداد: ۳۰۰۰

چاپ: اصفهان

شابک: ۹۶۴-۶۰۱۷-۲۲-۳

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

قیمت: ۴۵۰ تومان

فهرست

۱۱	 مقدمه
۱۵	 در اثبات رجعت است
۱۷	 دابة الارض
۱۹	 معاد
۱۹	 سبيل الله
۲۰	 نصرت
۲۵	 عذاب ادنى
۲۵	 دوبار زندگى و مرگ
۲۵	 يارى در دنيا
۲۷	 روايات رجعت
۲۹	 رجعت حضرت امام على (ع)
۳۰	 رجعت حضرت امام حسين (ع)
۳۱	 زندگانى سى ماهه اهل ايمان در رجعت
۳۱	 پادشاهى حضرت على (ع) در رجعت

- ایمان اهل کتاب به حضرت عیسی (ع) ۳۱
- عدم رجعت اقوام عذاب شده در دنیا ۳۳
- خوراک دشمنان اهل بیت در رجعت ۳۳
- حکومت حضرت مهدی بر مستضعفان و جامع وقایع آن زمان ۳۳
- تکرار وقایع امم سابقه در امت محمدی ۳۷
- اختصاص لقب امیرالمؤمنین به حضرت علی و ظهور سلطنت آن در رجعت ۳۸
- ظهور دابة الارض و پاره‌ای از وقایع رجعت ۳۸
- رجعت مکرر حضرت علی (ع) ۴۱
- رجعت امام حسین (ع) و انتقام از یزید و اتباعش ۴۱
- رجعت اهل حضرت علی (ع) بسان رجعت اولاد ایوب ۴۲
- رجعت اسماعیل بن جعفر صادق ۴۲
- رجعت عبدالله بن شریک ۴۳
- رجعت داود رقی ۴۳
- واقعه بین ماه جمادی و رجب ۴۳
- رجعت عایشه ۴۴
- باران ماه رجب و احیای اموات ۴۵
- یاران رجعت یافته حضرت مهدی (عج) ۴۵
- بیعت حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) با حضرت مهدی (عج) ۴۵
- رجعت حضرت علی (ع) ۴۶
- رجعت مؤمنان به ندای ملک الهی ۴۶
- خواندن دعای عهد باعث رجعت مؤمن است ۴۶

- دلالۃ زیارت بعید حضرت رسول (ص) بر رجعت ۴۷
- دلالۃ زیارتهای امام حسین (ع) بر رجعت ۴۷
- رجعت مؤمنان در حال تلبیه کردن ۴۸
- دلالۃ دعای سرداب غیبت بر رجعت ۴۹
- دلالۃ توقیع شریف بر رجعت حضرت امام حسین (ع) ۴۹
- رجعت گروهی از شیعیان ۵۰
- رجعت و نمازگزاردن حضرت امام حسین بر جسد مبارک حضرت مهدی (عج) ۵۱
- مدّت حکومت برخی از ائمه - علیهم السلام - در رجعت ۵۳
- شش موهبت به حضرت علی (ع) ۵۴
- رجعت پیش از قیامت ۵۴
- پادشاهی حضرت امام حسین در رجعت ۵۴
- حکمرانی حضرت امام حسین بعد از حضرت مهدی (عج) ۵۵
- هفتاد هزار نفر یاور حضرت مهدی (عج) ۵۶
- رجعت اسماعیل بن حزقیل با امام حسین (ع) ۵۶
- یاری ملائکه به امام حسین (ع) در رجعت ۵۷
- تفسیر راجفه و رادفه به رجعت ائمه (ع) ۵۸
- دلالۃ آیه سوره نبأ بر رجعت ۵۹
- انتقام حضرت علی (ع) از بنی امیه در رجعت ۵۹
- رجعت حضرت رسول (ص) و حضرت علی (ع) و بنای مسجدی در کوفه .. ۶۰
- طول مدت دولت حضرت محمد و آل او ۶۰
- محل جلوس حضرت امام حسین (ع) در رجعت ۶۱

- ۶۱ دلالت زیارت ناحیه مقدّسه بر رجعت
- ۶۲ اقرار به رجعت از شرایط ایمان است
- ۶۳ تفسیری از وجود «دوازده حضرت مهدی»
- ۶۵ رجعت در امم سابقه
- ۶۷ رجعت گروهی به دعای «ارمیای» نبی (ع)
- ۶۸ رجعت حضرت عَزِیز
- ۶۸ رجعت هفتاد نفر از قوم حضرت موسی (ع)
- ۶۹ رجعت مردی از مردگان به دعای حضرت عیسی (ع)
- ۶۹ رجعت اصحاب کُف
- ۷۱ رجعت حضرت مهدی (عج) و چگونگی آن در حدیث مفضّل
- ۷۱ عدم جواز تعیین وقت ظهور
- ۷۱ چگونگی آغاز ظهور
- ۷۳ مخاطبان حضرت مهدی در غیبت
- ۷۳ ظاهر حضرت مهدی (عج) در موقع ظهور
- ۷۴ ندای حضرت مهدی بر عالمیان
- ۷۴ بیعت جبرئیل و ملائکه، جنّ و نقبا با حضرت مهدی (عج)
- ۷۶ خواندن کتب انبیاء بر امم آنها در کعبه
- ۷۷ حکایت بشیر و نذیر
- ۷۸ بیعت ملائکه و جنّ با حضرت مهدی (عج)
- ۷۹ عمل حضرت مهدی (عج) با اهل مکه
- ۷۹ تخریب مکه و بنای مجدّد آن

عدم امامت حضرت مهدی در مکه معظمه و کشته شدن والیان حضرت

- در آن جا ۷۹
- جایگاه حضرت مهدی (عج) ۸۰
- اقامت مؤمنان در کوفه ۸۰
- وجه تفاخر کربلا بر مکه ۸۱
- ورود حضرت مهدی به مدینه و وقایع پس از آن ۸۲
- احوال زوراء ۸۵
- خروج سید حسنی ۸۶
- رویارویی سید حسنی با حضرت مهدی (عج) ۸۷
- ارسال لشکر به طرف سفیانی ۸۸
- رجعت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) ۸۸
- مراد از فرعون و هامان در آیه کریمه ۸۹
- تبلیغ اسلام به تمام جایها ۸۹
- شکایت ائمه اطهار (ع) و حضرت فاطمه (س) به حضرت رسول (ص) ۹۰
- شکایت حضرت فاطمه ۹۰
- شکایت حضرت علی (ع) ۹۲
- شکایت حضرت امام حسن (ع) ۹۲
- شکایت حضرت امام حسین (ع) ۹۳
- دعای حضرت فاطمه (س) ۹۴
- رجعت ائمه غیر از پادشاهی آنان است ۹۵
- شکایت حضرت سجاد (ع) و حضرت محمد باقر (ع) ۹۶

- شکایت بقیه ائمه (ع) ۹۶
- مراد از گناه حضرت ختمی مرتبت ۹۸
- غلبه اسلام بر تمام ادیان در رجعت ۹۹
- بارش طلا و جواهرات بر حضرت مهدی ۹۹
- ادای قرض شیعیان توسط حضرت مهدی ۱۰۰

مقدمه

رجعت یا بازگشت مؤمنان خالص و پاره‌ای از کافران مخلّد در عذاب، و ظهور دولت کریمه ائمه اطهار پس از قیام حضرت مهدی - علیه السلام - از ضروریات مذهب شیعه قلمداد شده است، علامه مجلسی - رحمه الله علیه - در این باره گوید: «بدان که از جمله اجماعیات شیعه بلکه ضروریات مذهب فریقه محقه حقیقت رجعت است، یعنی پیش از قیامت در زمان حضرت قائم - علیه السلام - جمعی از نیکان بسیار نیک و بدان بسیار بد بر می‌گردند».

بنا به گزارش محققان^(۱) دوازده دلیل برای اثبات اجماع قابل طرح است:

(۱) ادله عدم امتناع معاد جسمانی مجوّز وقوع آن است.

(۲) آیه‌های متعدد قرآنی که دالّ بر وقوع آن می‌باشد.

(۳) احادیث متواتر وارد بر این مسأله.

(۴) اجماع علمای شیعه دوازده امامی.

۱ - شیخ حرّ عاملی، الایقاظ من ההجعة، ص ۲۹ - ۷۲

- (۵) قول به رجعت از ضروریات مذهب امامیه است.
- (۶) وقوع رجعت در امم سالفه و به خصوص در بنی اسرائیل دالّ بر جواز آن می باشد.
- (۷) اعتقاد تمام ائمه شیعه به ثبوت آن.
- (۸) وجوب اقرار به رجعت در ادعیه و زیارتهای وارد از ائمه معصومین (ع).
- (۹) رجعت از مسائلی است که اهل سنت قبول ندارند و به مصداق: «خذ بما خالف العامة» در نظر شیعه مورد قبول است.
- (۱۰) امام مستجاب الدعوة است، پس اگر بخواهد عده ای زنده شوند به اذن خداوند زنده خواهند شد.
- (۱۱) تمام فضایلی که به پیامبران داده شده به رسول گرامی اسلام داده شده و یکی از این فضیلتها زنده شدن برخی از مرده ها برای آنها بوده است.
- (۱۲) امام اسم اعظم الهی را می داند، پس قادر بر آن می باشد.
- در این مقام باید بدین نکته توجه داشت که برخی از ادله فوق قابل مناقشه می باشند، زیرا قدرت خداوند، نبی و معصوم به محال تعلّق نمی گیرد، پس اثبات رجعت با برخی از این ادله فرع بر ثبوت آن است، لذا دلیل وارد دور خواهد بود، بنابراین با اثبات رجعت برخی از این ادله به عنوان مؤید برهان قابل استفاده خواهد بود.
- شیخ حرّ عاملی آیه های زیر را به طور مستقیم و یا به واسطه انضمام

به احادیث وارد در ذیل آنها بیانگر وقوع رجعت می‌داند^(۱):

بقره، ۲۰، ۲۸، ۴۶، ۴۷، ۶۶، ۷۳، ۲۴۳، ۲۵۸، ۲۶۰؛ آل عمران، ۴۴ - ۴۹، ۵۵، ۸۱؛ نساء، ۱۵۹؛ مائده، ۱۱۰، ۱۱۷؛ انعام، ۳۷؛ اعراف، ۱۵۵؛ یونس، ۴۶، ۵۱، ۵۴، ۹۴؛ رعد، ۳۱؛ ابراهیم، ۱۴؛ نحل، ۲۲، ۳۴؛ بنی اسرائیل [= اسراء]، ۴ - ۶، ۷۱، ۷۲؛ کهف، ۱۹، ۲۵، ۸۳ - ۸۴؛ مریم، ۷۵؛ طه، ۱۲۴؛ انبیاء، ۸۳ - ۸۴، ۹۵، ۱۰۵؛ نور، ۵۵؛ نمل، ۸۲ - ۸۳؛ قصص، ۵، ۸۵؛ روم، ۹؛ سجده، ۲۷ - ۲۸، ۱۰؛ یس، ۸۱؛ شوری، ۴۴؛ دخان، ۱۰؛ احقاف، ۱۵؛ ق، ۴۲، ۴۴؛ ذاریات، ۵۱؛ طور، ۴۷؛ قمر، ۸؛ قلم، ۲۶؛ جن، ۲۵ - ۲۷؛ قیامت، ۴۰؛ عبس، ۱۷ - ۲۲؛ طارق، ۸.

برخی از متکلمان امامیه فرض وقوع رجعت را، چون مستلزم حرکت به قهقرا از فعل به قوه است، محال دانسته‌اند؛ ولی با نظر به مفاد برهان فوق می‌توان رجعت برای کسانی که هنوز تمام فعلیتهای آنها ظهور نیافته قابل اثبات دانست. گرچه جزئیات تحقیقی بحث با مشکلات خاصی روبرو می‌باشد.^(۲)

علامه مجلسی - رضوان الله تعالی علیه - در بخشی از کتاب ارزشمند *حق‌الیقین* در رساله‌ای مستقل و در بخشی از *بحار الانوار* تحلیل مسأله رجعت از دیدگاه برخی از آیات و اخبار پرداخته‌اند، و در طی آن با گزارش این پندیده شگفت به ابرام مبانی آن و تبیین حکومت

۱ - همان کتاب، ۷۲ - ۹۸.

۲ - رساله الرجعة، آیت‌الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی؛ و المیزان، ج ۱/ ۱۰۶ - ۱۰۹ برگرفته از رساله رجعت در دانشنامه قرانی به خاتمه حامد ناجی اصفهانی

ائمہ اطہار پس از قیام حضرت مهدی - علیہ السلام - اهتمام ورزیده‌اند.
رساله حاضر برگرفته از کتاب حق الیقین است که با تبویب جزئیات
آن به پیشگاه اهل معرفت تقدیم می‌گردد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در اثبات رجعت است

بدان که از جمله اجماعیات شیعه بلکه ضروریات مذهب فریقۀ محقّقه، حقیقت رجعت است. یعنی پیش از قیامت در زمان حضرت قائم - علیه السلام - جمعی از نیکان بسیار نیک و بدان بسیار بد برمی گردند. نیکان برای آنکه به دیدن دولت ائمه - علیهم السلام - خود دیده های ایشان روشن گردد و بعضی از جزای نیکیه های ایشان در دنیا به ایشان برسد و بدان از برای عقوبت و عذاب دنیا و مشاهده اضعاف آن دولتی که نمی خواستند به اهل بیت رسالت برسد و انتقام کشیدن شیعیان از ایشان. و سایر مردم در قبرها می مانند تا در قیامت محشور شوند؛ چنانچه در احادیث بسیار وارد شده است که: رجوع نمی کند در رجعت مگر کسی که محض ایمان داشته باشد یا محض کفر، اما سایر مردم پس ایشان را به حال خود می گذارند.

و اکثر علمای امامیه دعوی اجماع بر حقیّت رجعت کرده اند مانند محمد بن بابویه در رساله «اعتقادات»، شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طبرسی و سید بن طاووس و غیر ایشان از اکابر علمای امامیه و پیوسته

طبرسی و سید بن طاووس و غیر ایشان از اکابر علمای امامیه و پیوسته در اعصار ماضیه میان علمای امامیه و مخالفین در این مسئله نزاع بوده است و بسیاری از علماء و محدثین شیعه رسائل مفرده در این مسئله تألیف نموده‌اند چنانچه ارباب رجال ذکر نموده‌اند.

□ و شیخ ابن بابویه در کتاب «من لا یحضره الفقیه» روایت کرده‌است از حضرت امام جعفر صادق - علیه‌السّلام - که: از ما نیست کسی که ایمان به رجعت ما نداشته باشد و مُتعه را حلال نداند. و این حقیر در کتاب «بحار الانوار» زیاده از دویست حدیث از زیاده از چهل نفر از مصنفین علمای امامیه که در پنجاه اصل معتبر ایراد نموده‌اند بیرون نوشته‌ام هر که را شکی باشد به آن کتاب رجوع کند و آیاتی که تفسیر آنها به رجعت شده‌است بسیار است.

[آیه] **أَوَّلُ: حَقٌّ تَعَالَى** فرموده است «یوم نبعث من کلّ امة فوجاً ممّن یکذب بآیاتنا»^(۱) یعنی «روزی که مبعوث گردانیدیم از هر امتی فوجی از آنها که تکذیب می‌کنند به آیات ما».

□ و در احادیث بسیار از حضرت امام جعفر صادق - علیه‌السّلام - منقول است که: این آیه در رجعت است که حقّ تعالی از هر امتی فوجی را زنده می‌کند و آیه قیامت آن است که فرموده‌است: «و حشرناهم فلم یغادر منهم احداً»^(۲) یعنی محشور گردانیم ایشان را پس ترک نکنیم احدی از ایشان را که زنده نکنیم و فرمود که: مراد به آیات امیرالمؤمنین

۱- نمل / ۸۳

۲- کهف / ۴۷

و ائمه - عليهم السلام - اند.

[دابة الارض]

[آیه] **دویم:** **حقّ تعالی** فرموده است: ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾^(۱)، یعنی: «چون واقع شود عذاب خدا بر ایشان با آنکه وقتی که نازل شود عذاب بر ایشان نزدیک قیامت بیرون آوریم از برای ایشان دابه‌ای از زمین که سخن گوید با ایشان بدرستی که مردم بودند که به آیات ما یقین نداشتند».

□ و در احادیث بسیار وارد شده است که مراد از این دابه، علی - علیه السلام - است که نزدیک قیامت ظاهر خواهد شد و عصای موسی - علیه السلام - و انگشتر سلیمان - علیه السلام - با او خواهد بود، و عصا را بر میان دو دیده مؤمن خواهد زد و نقش خواهد بست حقّاً که مؤمن است و انگشتر را بر میان دو دیده کافر خواهد زد و نقش خواهد گرفت که او کافر است حقّاً.

□ و عامّه نیز مثل این اخبار را در کتب خود از عمّار و ابن عبّاس و غیر ایشان روایت کرده‌اند و صاحب کشف روایت کرده است که: دابه از صفا بیرون خواهد آمد و با عصای موسی و انگشتر سلیمان خواهد بود، پس عصا را بر محل سجود مؤمن خواهد زد، یا در میان دو دیده‌اش؛ پس نقطه سفیدی به هم خواهد رسید که تمام روی او را روشن خواهد کرد -

مانند ستاره درخشان - یا آنکه در میان دو چشمش نوشته می شود مؤمن و انگشتر را بر بینی کافر می زند و سیاه می شود، و جمیع رویش را تیره می کند؛ یا در میان دو دیده اش نوشته می شود کافر.

و گفته اند بعضی از قراء «تکلمهم» [را] بی تشدید خوانده اند، یعنی جراحات می کند ایشان را.

□ و در احادیث عامّه و خاصّه متواتر است که حضرت امیر - علیه السلام - مکرّر در خطبه ها می فرمود که: منم صاحب عصا و میسم، یعنی چیزی که داغ کنند.

□ و عامّه از ابو هریره و ابن عبّاس و اصبع بن نباته و غیر ایشان روایت کرده اند که دابة الارض امیر المؤمنین - علیه السلام - است.

□ و ابن ماهیار در کتاب «ما نزل من القرآن فی الائمة» روایت کرده است از اصبع بن نباته که گفت: معاویه مرا خطاب کرد و گفت: شما گروه شیعیان گمان می کنید دابة الارض علیّ است.

من گفتم: ما نمی گوئیم بتنهایی، یهود نیز چنین می گویند.

معاویه فرستاد و اعلم علمای یهود را طلبید و پرسید که شما دابة

الارض را در کتب خود می یابید؟

گفت: بلی.

معاویه گفت: چه چیز است؟

گفت: مردی است.

معاویه گفت: می دانی چه نام دارد؟

گفت: الیا.

معاویه گفت: الیا چه نزدیک است به علی.

[معاد]

[آیه] سَيِّم: قول حقّ تعالی: ﴿ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد﴾^(۱)، یعنی: «بدرستی که آنکه بر تو واجب گردانیده قرآن را هر آینه تو را برمی گرداند بسوی معاد، یعنی: محل عود».

□ و احادیث بسیار وارد شده است که مراد رجعت حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - است بسوی دنیا.

[سبیل الله]

[آیه] چهارم: موافق قول خدا ﴿و لئن قتلتم فی سبیل الله او متم لالی الله تحشرون﴾، یعنی «البته اگر کشته شوید در راه خدا یا بمیرید هر آینه بسوی خدا محشور می شوید».

□ منقول است به طرق بسیار که این آیه در رجعت است و ﴿سبیل الله﴾ راه ولایت علی - علیه السلام - و ذریه او است، هر که ایمان به این آیه داشته باشد او را کشته شدنی و مرگی هست که اگر در حیات دنیا کشته شود در راه ایشان، در رجعت ایشان برمی گردد تا بمیرد، و اگر بمیرد، در رجعت برمی گردد تا در راه ایشان کشته شود.

□ و ایضاً فرموده است در تفسیر قول حقّ تعالی ﴿کل نفس ذائقة

الموت»^(۱) هر که کشته شود مرگ را نپشیده است، و البته در رجعت به دنیا برمی گردد تا مرگ را بپشد.

[نصرت]

[آیه] پنجم: قول حقّ تعالی «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَقْرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ أَصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ»^(۲)، یعنی «به یاد آور وقتی را که گرفت خدا پیمان پیغمبران را که هر آینه آنچه داده‌ام به شما از کتاب و حکمت پس بیاید بسوی شما پیغمبری که تصدیق کننده شما باشد البته ایمان بیاورید به آن پیغمبر و یاری کنید او را؛ گفت: آیا اقرار کردید و قبول کردید عهد و پیمان مرا؟ گفتند: اقرار کردیم گفت گواه باشید بر یکدیگر و من بر شما از گواهانم».

□ و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که این نصرت در رجعت خواهد بود، چنانچه سعد بن عبد الله در کتاب «بصائر الدرجات» از حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - روایت کرده است که: فرمود یعنی ایمان به رسول خدا - صلی الله علیه و آله - خواهند آورد و حضرت امیر - علیه السلام - را در رجعت یاری خواهند کرد، پس فرمود: به خدا سوگند که هر پیغمبری که خدا مبعوث گردانیده است از

۱ - آل عمران / ۱۵۸ ، انبیاء / ۳۵

۲ - آل عمران / ۸۱

آدم - علیه السلام - و هر که بعد از او است جمیع ایشان را برمی گردانند به دنیا تا قتال و جدال کنند در پیش روی حضرت امیر، علیه السلام .

□ و شیخ حسن بن سلیمان در کتاب «منتخب البصائر» از کتاب «واحد» از حضرت باقر - علیه السلام - روایت کرده است که: حضرت امیر - علیه السلام - فرمود: بدرستی که خداوند عالمیان واحد و یگانه و بی مثل و نظیر است و منفرد بود در یگانگی و کسی با او نبود، پس تکلم نمود به کلمه‌ای پس آن کلمه را نوری گردانید، و از آن نور محمد را آفرید و مرا و ذریه مرا نیز از آن نور خلق کرده است پس تکلم به کلمه دیگری نمود از آن روحی بهم رسید و آن روح را در آن نور ساکن گردانید و آن نور را در بدنهای ما ساکن گردانید پس مائیم روح برگزیده خدا و کلمات خدا که در قرآن ذکر کرده است و به ما حجت خود را بر خلق تمام کرده است و ما پیش از خلق اشیاء در زیر سقفی بودیم از نور سبز در وقتی که نه آفتاب بود و نه ماه و نه شب بود و نه روز بود و نه دیده‌ای که بر ما نظر کند، عبادت می کردیم خدا را و تنزیه و تقدیس و تسبیح او می کردیم و اینها پیش از آن بود که خلائق را بیافریند.

و چون ارواح پیغمبران را خلق کرد عهد و پیمان از ایشان گرفت که به ما ایمان آورند و ما را یاری کنند پس حضرت این آیه را خواند و گفت: یعنی ایمان بیاورید به محمد - صلی الله علیه و آله - و یاری کنید وصی او را و همه پیغمبران یاری او خواهند کرد، بدرستی که حق تعالی گرفت پیمان مرا و پیمان محمد را که یاری یکدیگر بکنیم و بتحقیق که من یاری کردم محمد را و جهاد کردم در پیش روی او و وفا کردم از برای خدا به

آنچه گرفته است از من از پیمان و میثاق در نصرت و یاری محمّد - صلی اللّٰه علیه و آله - و هنوز یاری من نکرده‌اند احدی از پیغمبران و رسولان خدا، و بعد از این در رجعت یاری من خواهند نمود و ما بین مشرق و مغرب زمین همه از من خواهد بود و البته خدا همه را مبعوث خواهد کرد، از آدم تا خاتم هر پیغمبری و رسولی که بوده باشد، و در پیش روی من شمشیر خواهند زد بر سر زنده‌ها و مرده‌ها که زنده شده باشند از جنّ و انس، و چه بسیار عجیب است.

و چگونه تعجّب نکنم از مرده‌هایی که خدا ایشان را زنده کند و گروه گروه از قبرها بیرون آیند لبیک گویان صدا بلند کنند که «لبیک لبیک یا داعی اللّٰه» و در میان بازارهای کوفه روند و شمشیرهای برهنه بر سر دوش خود گذاشته باشند و بر سرهای کافران و جباران و اتباع ایشان زنند از جباران اوّلین و آخرین، تا آنکه حقّ تعالی وفا کند به وعده‌ای که ایشان را داده است در قرآن که: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ...﴾^(۱)، یعنی: «خدا وعده داده است ایشان را که ایمان آورده‌اند از شما و عملهای شایسته کرده‌اند که البته ایشان را خلیفه گرداند در زمین، چنانچه خلیفه گردانیده بود آنها را که پیش از آنها بوده‌اند، و البته متمکن گرداند از برای ایشان، دین ایشان را که پسندیده است از برای ایشان و بدل کند از برای ایشان بعد از خوف ایشان ایمنی که عبادت کنند مرا و هیچ چیز را شریک من نگردانند».

حضرت فرمود که: یعنی عبادت کنند مرا در حالی که ایمن باشند و

نترسند از احدی از بندگان من، و محتاج نباشند به تقیه کردن از کسی.
و بدرستی که مرا برگشتنی بعد از برگشتن و رجعتی بعد از رجعت
خواهد بود؛

و منم صاحب رجعت‌ها و برگشتن‌ها و صاحب حکم‌ها و انتقام
کشیدن‌ها و دولت‌های عجب؛
و منم مانند شاخی از آهن؛
و منم بنده خدا و برادر رسول خدا؛
و منم امین خدا و خازن علم خدا و صندوق سرّ خدا و حجاب خدا
و وجه خدا که از جهت من متوجه خدا باید شد و صراط خدا و میزان
خدا؛

و منم جمع کننده مردم بسوی خدا؛
و مائیم اسمای حسنای خدا و امثال علیای او و آیات کبرای او؛
و منم قسمت کننده بهشت و دوزخ، ساکن می‌گردانم اهل بهشت [را
در بهشت] و اهل جهنّم را در جهنّم و با من است و تزویج اهل بهشت و به
اختیار من است عذاب اهل جهنّم و بازگشت خلق بسوی من است و
حساب خلق با من است؛

و منم اذان گوینده در اعراف؛
و منم که در نزد قرص آفتاب ظاهر خواهم شد؛
و منم دابة الارض و منم صاحب اعراف که مؤمن و کافر را از یکدیگر
جدا می‌کنم.

و منم امیر مؤمنان و پادشاه متّقیان و آیه سابقان و زبان سخن‌گویان و

آخر اوصیای پیغمبران و وارث انبیاء و خلیفه خدا و صراط مستقیم
پروردگار و ترازوی عدالت در روز جزا و حجّت خدا بر اهل آسمان‌ها و
زمین‌ها و هر که مابین آسمان‌ها است؛

و منم آنکه خدا بر او حجّت تمام کرده است بر شما در ابتدای خلق
شما؛

و منم گواه خلاق در روز جزا؛

و منم آنکه در نزد من است علم مرگها و بلاها و حکم در میان خلق
خدا و جداکننده حقّ از باطل و می‌دانم نسبهای مردم را و به من
سپرده‌اند آیات و معجزات و کتاب‌های پیغمبران را؛

و منم صاحب عصا و میسم؛

و منم آنکه خدا مسخر من گردانیده است ابرها و رعد‌ها و برق و
تاریکی و روشنائی و باده‌ها و کوه‌ها و دریاها و ستاره‌ها و آفتاب و ماه را؛
و منم فاروق این امت؛

و منم هادی این امت؛

و منم آنکه عدد هر چیز را می‌دانم به آن علمی که خدا به من
سپرده است و به آن رازها که مخفی به پیغمبرش و وحی فرستاده است و آن
رازهای پنهان را پیغمبرش به من گفته است؛

و منم آنکه خدا نام خود را به من بخشیده است و کلمه خود را و
حکمت خود را و علم خود را به من عطا کرده است.

ای گروه مردم از من سؤال کنید پیش از آنکه مرا نیابید خداوند من تو
را گواه می‌گیرم و طلب می‌کنم که مرا یاری دهی بر ایشان، هولا حول و لا

قوة الا بالله العلی العظیم».

[عذاب ادنی]

[آیه] ششم: «و لنذیقنهم من العذاب الادنی دون العذاب الاکبر لعلهم یرجعون»^(۱)، یعنی: «البته می چشائیم ایشان را از عذاب نزدیک تر یا پست تری را پیش از عذاب بزرگتر شاید ایشان برگردند».

□ حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - فرمود که: عذاب بزرگتر عذاب رجعت است که به شمشیر ایشان را عذاب خواهند کرد، و عذاب بزرگتر قیامت است.

و مراد از برگشتن زنده شدن در رجعت است.

[دو بار زندگی و مرگ]

[آیه] هفتم: «ربنا امتنا اثنتین و احييتنا اثنتین»^(۲)، یعنی: «ای پروردگار ما میرانیدی ما را دو بار و زنده گردانید ما را دوبار».

□ در احادیث وارد شده است که: یک زنده گردانیدن در رجعت و دیگری در قیامت، و یک میرانیدن در دنیا است و دیگری در رجعت.

[یاری در دنیا]

[آیه] هشتم: «انا لننصر رسلنا و الذین آمنوا فی الحیوة الدنیا و یوم

۱ - سجده / ۲۱

۲ - غافر / ۱۱

يقوم الاشهاد^(۱)، یعنی: «بدرستی که ما البته یاری می‌کنیم رسولان خود را و آنها را که ایمان آورده‌اند در زندگانی دنیا و در روزی که می‌ایستند گواهان برای گواهی دادن بر مردمان یعنی در دنیا و آخرت هر دو یاری می‌کنیم ایشان را».

□ علی بن ابراهیم و سعد بن عبدالله روایت کرده‌اند که: حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - فرمود که: یاری دنیا در رجعت است مگر نمی‌دانی که بسیاری از پیغمبران یاری کرده نشده‌اند در دنیا تا کشته شدند، بلکه این یاری در رجعت خواهد بود.

و آیاتی که تأویل به رجعت فرموده‌اند بسیار است در این رساله به همین اکتفا نمودیم و بعضی در ضمن اخبار مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی.

[روایات رجعت]

[رجعت حضرت امام علی(ع)]

□ و سعد بن عبدالله در بصائر از حضرت صادق - علیه السلام - روایت کرده است که: شیطان لعنه الله از خدا سؤال کرد که او را مهلت دهد تا روز قیامت که مردم زنده می شوند، حق تعالی ابا کرد و فرمود که: تو را مهلت دادم تا یوم وقت معلوم؛ چون آن روز شود ظاهر شود شیطان با جمیع اتباعش از روزی که خدا آدم را خلق فرموده است تا آن روز، و حضرت امیرالمؤمنین - علیه السلام - برگردد و این آخر برگشتهای آن حضرت است.

راوی گفت: مگر رجعتهای بسیار خواهد کرد؟

فرمود: بلی و هر امامی که در قرنی بوده باشد نیکوکاران و بدکاران زمان او برمی گردند، تا حق تعالی مؤمنان را بر کافران غالب گرداند و مؤمنان از ایشان انتقام بکشند، پس چون آن روز ظاهر شود حضرت امیرالمؤمنین - علیه السلام - برگردد با اصحابش، و شیعیان بیاید با اصحابش و ملاقات ایشان در کنار فرات واقع شود نزدیک به کوفه؛ پس قتالی واقع شود که هرگز مثل آن واقع نشده باشد.

گویا می بینم اصحاب حضرت امیر را که صد قدم از پس پشت برگردند و پای بعضی در میان آب فرات داخل شود پس ابری به زیر آید از آسمان که پر شده باشد از ملائکه و رسول خدا - صلی الله علیه و آله -

حربه‌ای از نور در دست داشته باشد و در پیش آن ابر آید، چون نظر شیطان بر آن حضرت افتد از عقب برگردد، و اصحابش به او گویند که اکنون که ظفر یافتی به کجا می‌روی؟

او می‌گوید: من می‌بینم آنچه شما نمی‌بینید من می‌ترسم از پروردگار عالمیان. پس حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - به او برسد و حربه را در میان دو کتفش بزند که او و اصحابش همه هلاک شوند.

پس بعد از آن همه مردم خدا را به یگانگی پرستند. و هیچ چیز را با خدا شریک نگردانند.

و حضرت امیرالمؤمنین چهل و چهار هزار فرزند از صلب او متولد شود همه پسر، هر سال یک فرزند. پس در آن وقت دو باغ سبز که حق تعالی در سورة الرحمن فرموده است در دو طرف مسجد کوفه بهم رسد.

[رجعت حضرت امام حسین (ع)]

□ و ایضاً از آن حضرت روایت کرده است که: حساب خلائق با حضرت امام حسین - علیه السلام - خواهد بود در رجعت پیش از قیامت.

□ و به چندین سند از حضرت امام محمّد باقر - علیه السلام - روایت کرده است که: اوّل کسی که در رجعت برخواید گشت حضرت امام حسین - علیه السلام - خواهد بود و آن مقدار پادشاهی خواهد کرد که از پیری موهای ابروهای او بر روی دیده‌اش آویخته شود.

[زندگانی سی ماهه اهل ایمان در رجعت]

□ و از حضرت امام موسی - علیه السلام - روایت کرده است که: برگردند در رجعت ارواح مؤمنان با ارواح دشمنان ایشان بسوی بدن‌ها، تا حقّ خود را از ایشان استیفاء کنند، هر که ایشان را عذاب و شکنجه کرده باشد انتقام از او بکشند و اگر ایشان را به خشم آورده باشند او را به خشم آورند، اگر کشته باشند به عوض بکشند. پس سی ماه بعد از کشتن دشمنان خود زندگانی کنند و بعد از آن همه در یک شب بمیرند. و ایشان به نعیم بهشت برگردند و دشمنان به بدترین عذاب‌های جهنم برگردند.

[پادشاهی حضرت علی(ع) در رجعت]

□ و ایضاً روایت کرده است که: از حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - پرسیدند از تفسیر قول حقّ تعالی: ﴿وَجَعَلْ فِیْكُمْ أَنْبِیَاءَ وَجَعَلْكُمْ مَلُوكًا﴾^(۱)، یعنی: «و گردانید شما را پیغمبران و گردانید شما را پادشاهان». فرمود که: پیغمبران حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - و ابراهیم و اسمعیل و ذریه اویند و پادشاهان ائمه‌اند. راوی گفت: چه پادشاهی به شما داده‌اند؟ فرمود: پادشاهی بهشت و پادشاهی رجعت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب، علیه السلام.

[ایمان اهل کتاب به حضرت عیسی(ع)]

□ و علی بن ابراهیم در تفسیرش روایت کرده است از شهر بن

خوشب که گفت حجاج بامن گفت: در قرآن آیه‌ای هست که تفسیرش مرا عاجز کرده است و نمی‌فهمم، آن آیه این است ﴿و ان من اهل الكتاب الا لیؤمنن به قبل موته﴾، یعنی: «نیست احدی از اهل کتاب مگر آنکه البته ایمان می‌آورند به حضرت عیسی - علیه السّلام - پیش از مردن او». و به خدا سوگند که من امر می‌کنم که گردن یهود و نصرانی را بزنند و نظر می‌کنم که لب او حرکت نمی‌کند تا بمیرد.

من گفتم: ای امیر این مراد نیست که شما فهمیده‌اید.

گفت: پس چه معنی دارد؟

گفتم: حضرت عیسی - علیه السّلام - پیش از قیامت از آسمان به زمین خواهد آمد پس نمی‌ماند هیچ یهودی و غیر او مگر آنکه ایمان به حضرت عیسی - علیه السّلام - می‌آورند پیش از مردن حضرت عیسی - علیه السّلام - و نماز خواهد کرد در عقب حضرت مهدی، علیه السّلام.

حجاج گفت: وای بر تو این را از کجا آورده‌ای و از کی شنیده‌ای؟

گفتم: از حضرت امام محمّد باقر - علیه السّلام - شنیده‌ام.

گفت: به خدا سوگند که از چشمه صافی برداشته‌ای.

□ و ایضاً روایت کرده است او و دیگران در تأویل قول حقّ تعالی:

﴿بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه و لما یأتهم تأویله﴾^(۱)، یعنی «بلکه

تکذیب می‌کنند به آنچه احاطه نکرده‌اند به علم آن و هنوز تأویل آن به ایشان نرسیده است».

حضرت فرموده است که: این آیه در باب رجعت و امثال آن است که

هنوز وقت آن نیامده و ایشان تکذیب آنها می نمایند و می گویند نخواهد بود.

[عدم رجعت اقوام عذاب شده در دنیا]

□ و به سند معتبر دیگر روایت کرده اند که دشمنان اهل بیت در رجعت خوراک ایشان عذره انسان خواهد بود چنانچه حق تعالی فرموده است ﴿ان له معیشة ضنکاً﴾^(۱).

[خوراک دشمنان اهل بیت در رجعت]

□ و ایضاً علی بن ابراهیم از حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - و امام محمد باقر - علیه السلام - روایت کرده است که: هر قومی را که حق تعالی به عذاب هلاک کرده است در رجعت برنخواهند گشت چنانچه خدا فرموده است ﴿و حرام علی قرية اهلکناها انهم لا یرجعون﴾^(۲).

[حکومت حضرت مهدی بر مستضعفان و جامع وقایع آن زمان]

و در اخبار معتبره وارد شده است در تأویل این آیه ﴿و نرید ان نمکن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین و نمکن لهم فی الارض و نری فرعون و هامان و جنودهما منهم ما کانوا

۱- طه / ۱۲۴

۲- انبیاء / ۹۵

یَحْذَرُونَ»^(۱) که این مثلی است که خدا زده است برای اهل بیت رسالت که موجب تسلی آن حضرت گردد، زیرا که فرعون و هامان و قارون ستم کردند بر بنی اسرائیل و ایشان و اولاد ایشان را می‌کشتند و نظیر ایشان در این امت ابوبکر و عمر و عثمان و اتباع ایشان بودند که سعی می‌کردند در قتل و قمع اهل بیت رسول خدا - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ - حَقِّ تعالی و عده داده است پیغمبرش را که همچنانکه ولادت موسی را مخفی کردم و او را از فرعون غایب گردانیدم و بعد از آن او را ظاهر ساختم و بر فرعون و اتباعش غالب گردانیدم و بعد از آن همه را بر دست او هلاک کردم، همچنین حضرت قائم - عَلَیْهِ السَّلَام - ولادتش را پنهان خواهم کرد و از فراعنه زمان خود او را مستور خواهم گردانید و در رجعت ایشان را بر دشمنان ایشان غالب خواهم کرد که انتقام خود را از ایشان بکشند.

پس تأویل آیات چنین است: و می‌خواهیم که منت گذاریم بر آنها که ایشان را ضعیف گردانیده‌اند در زمین که اهل بیت رسالت‌اند، و بگردانیم ایشان را امامان، و بگردانیم ایشان را وارثان روی زمین، و پادشاهی روی زمین برای ایشان مسلّم گردد و تمکّن و اقتدار بدهیم ایشان را در زمین که باطل را براندازند و حَقِّ را ظاهر گردانند و بنمائیم به فرعون و هامان یعنی ابابکر و عمر و لشکرهاى ایشان و اینهاىند که غصب حَقِّ آل محمّد کردند، «منهم» یعنی از آل محمّد آنچه حذر می‌کردند از کشتن و عذاب. و همچنین حضرت امام حسین - عَلَیْهِ السَّلَام - و اصحاب او را زنده کنند و کشتندگان ایشان را نیز زنده کنند تا انتقام از ایشان بکشند.

□ چنانچه قطب راوندی و دیگران از جابر از امام محمد باقر - علیه السلام - روایت کرده است که: حضرت امام حسین - علیه السلام - در صحرای کربلا پیش از شهادت فرمودند که: جدّم رسول خدا - صلی الله علیه و آله - به من گفت که: ای فرزند تو را بسوی عراق خواهند برد در زمینی که پیغمبران و اوصیای ایشان در آنجا ملاقات یکدیگر کرده‌اند یا خواهند کرد، و آن زمین را «عمورا» می‌گویند و در آنجا شهید خواهی شد، و با تو جماعتی از اصحاب تو شهید خواهند شد که درد و الم بریدن آهن به ایشان نخواهد رسید، چنانچه آتش را حقّ تعالی بر حضرت ابراهیم - علیه السلام - سرد و سلام گردانید و همچنین آتش جنگ بر تو و اصحاب تو برد و سلام خواهد بود.

پس بشارت باد شما را و شاد باشید که ما به نزد پیغمبر خود می‌رویم پس می‌مانیم در آن عالم آن قدر که خدا خواهد؛ پس اوّل کسی که زمین شکافته می‌شود و از زمین بیرون می‌آید من خواهم بود و بیرون آمدن من موافق می‌افتد با بیرون آمدن امیرالمؤمنین - علیه السلام - و قیام قائم ما. پس نازل می‌شوند بر من گروهی از آسمان از جانب حقّ تعالی که هرگز بر روی زمین فرود نیامده باشند با جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و لشکرها از ملائکه؛ و فرود می‌آید محمد و علی - علیهما السلام - و من و برادرم و جمیع آنها که خدا بر ایشان منت گذاشته است از انبیاء و اوصیاء سوار شده بر اسبان خدائی ابلق از نور که هیچ مخلوقی پیش از آنها بر آنها سوار نشده است.

پس حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - علم خود را به دست

می‌گیرد و حرکت می‌دهد و شمشیر خود را بدست قائم می‌دهد پس بعد از آن آنچه خدا خواهد می‌نمائیم، پس حقّ تعالی بیرون می‌آورد از مسجد کوفه چشمه‌ای از روغن و چشمه‌ای از آب و چشمه‌ای از شیر؛ پس آن گاه حضرت امیرالمؤمنین - علیه‌السلام - شمشیر حضرت رسول را به من دهد و مرا به جانب مشرق و مغرب بفرستد، پس هر که دشمن خدا باشد خونش را بریزم و هر بتی را که بیابم بسوزانم تا آنکه به زمین هند برسم و جمیع بلاد هند را فتح کنم و حضرت دانیال و یوشع زنده شوند و بیابند بسوی حضرت امیرالمؤمنین - علیه‌السلام - و گویند راست گفتند خدا و رسول او در وعده‌ها که دادند.

پس هفتاد نفر با ایشان بفرستد بسوی بصره که هر که در مقام مقاتله درآید او را بکشند. و لشکری بسوی بلاد روم بفرستد که آنها را فتح کنند.

پس هر حیوان حرام گوشت که باشد بکشم تا آنکه به غیر طیب و نیکو در روی زمین نباشد. و جزیه را برطرف کنم و یهود و نصاری و سایر ملل را مخیر گردانم میان اسلام و شمشیر، پس هر که مسلمان شود منت گذارم بر او و هر که اسلام را نخواهد خونش را بریزم، و هیچ مردی از شیعیان ما نماند مگر آنکه خدا ملکی را بسوی او بفرستد که خاک را از روی او پاک کند و زنان و منزل او را در بهشت به او بنماید، و هر کور و زمین‌گیر و مبتلائی که باشد خدا به برکت ما اهل بیت آن بلاها را از او دفع نماید و حقّ تعالی برکت را از آسمان به زمین فرو فرستد به مرتبه‌ای که شاخه‌های درختان میوه‌دار از بسیاری میوه بشکند، و میوه تابستان در

زمستان و میوه زمستان در تابستان به عمل آید.
و این است معنی قول حق تعالی که «اگر اهل شهرها ایمان بیاورند و پرهیزکار گردند هر آینه بگشائیم بر ایشان برکتها از آسمان و زمین، و لیکن تکذیب کردند پیغمبران ما را پس گرفتیم ایشان را به آنچه کسب کردند».

و ببخشید خدا به شیعیان ما کرامتی که مخفی نماند بر ایشان هیچ چیز در زمین و آنچه در زمین است، حتی آنکه کسی که خواهد احوال خانه خود را بداند خدا او را الهام کند به آنچه ایشان می کنند.

[تکرار وقایع امام سابقه در امت محمدی]

□ و ابن بابویه به سند معتبر از حسن بن جهم روایت کرده است که: مأمون از حضرت امام رضا - علیه السلام - پرسید که: چه می گوئی در رجعت؟

فرمود: حق است و در امام سابقه بوده است و قرآن مجید به آن ناطق است و رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرموده: که می باشد در این امت آنچه در امام سابقه بوده مانند دوتای نعل که با هم موافقند، و مانند پره های تیر که با یکدیگر مساویند. و حضرت فرمود که چون مهدی از فرزندان من بیرون آید عیسی - علیه السلام - از آسمان به زیر آید و در عقب او نماز کند.

[اختصاص لقب امیرالمؤمنین به حضرت علی

و ظهور سلطنت آن در رجعت]

□ و عیاشی از حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - روایت کرده است که فرمود: خلفای جور بر خود نامی گذاشته‌اند و خود را امیرالمؤمنین می‌گویند که این نام مخصوص علی بن ابیطالب است و هنوز معنی این نام و تأویل او بر مردم ظاهر نشده است. راوی گفت تأویل آن کی خواهد بود؟

فرمود آن وقتی خواهد بود که حقّ تعالی جمع کند در پیش روی او پیغمبران و مؤمنان را تا یاری کنند او را، چنانچه حقّ تعالی فرموده است: ﴿وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ...﴾^(۱) که گذشت. پس در آن روز می‌دهد رسول خدا - صلی الله علیه و آله - علم را به علی بن ابیطالب، پس او امیر جمیع خلائق خواهد بود و خلائق همه در زیر علم آن حضرت خواهند بود، و او امیر و پادشاه همه خواهد بود این است تأویل امیرالمؤمنین و معنی آن.

[ظهور دابة الارض و پاره‌ای از وقایع رجعت]

□ و در کتاب «سلیم بن قیس هلالی» روایت کرده است که: ابان ابن ابی عباس گفت: رفتم به خانه ابی الطفیل و او حدیث رجعت را برای من روایت کرد از جماعتی از اهل بدر و از سلمان و مقداد و ابی بن کعب. ابوالطفیل گفت: من عرض کردم آنچه از ایشان شنیده بودم بر علی بن

ایطالب - علیه السلام - در کوفه.

پس گفت: این علم خاصی است که باید این امت بدانند و رد کنند علم خصوصیات آن را به خدا پس آنچه از ایشان شنیده بودم به آن حضرت عرض کردم همه را تصدیق نمود و آیات بسیار را از قرآن تفسیر کرد به رجعت تفسیر واضح شافی، تا آنکه چنان شدم که یقین من به قیامت زیاده نیست از یقین به رجعت.

پرسیدم که حوض رسول خدا در دنیا خواهد بود یا در آخرت؟
فرمود: بلکه در دنیا خواهد بود پرسیدم: کی مردم را از حوض دور خواهد کرد؟

فرمود که: من بدست خود دور خواهم کرد و دوستان خود را بر سر حوض خواهم آورد و دشمنان خود را تشنه خواهم برگردانید.
پس از آن حضرت از دابة الارض پرسیدم؟
حضرت مضایقه فرمود، چون الحاح و مبالغه کردم.
فرمود که: آن دابه ای است که طعام می خورد و در بازارها راه می رود و با زنان مباشرت می کند.

گفتم: یا امیرالمؤمنین بگو کیست؟
فرمود که: او صاحب زمین است که زمین به او ساکن می گردد.
گفتم: یا امیرالمؤمنین بگو کیست؟
فرمود که صدیق و فاروق این امت است و عالم ربّانی و ذوالقرنین این امت است.

باز گفتم: بیان فرما که کیست؟

فرمود: آن است که خدا در شأن او ﴿و یتلوه شاهد منه﴾^(۱) گفته و گفته است: ﴿الذی عنده علم من الکتاب﴾^(۲) و گفته است ﴿و الذی جاء بالصدق و صدق به﴾^(۳) و تصدیق کرده او پیغمبر را در وقتی که همه کافر بودند.

گفتم: یا امیرالمؤمنین نامش را بگو؟

فرمود که: گفتم ای ابی الطفیل به خدا سوگند که اگر عامّة شیعیان مرا به نزد من بیاوری که اقرار به طاعت من می کنند و مرا امیرالمؤمنین می نامند و جهاد مخالفان مرا حلال می دانند پس حدیث کنم به بعضی از آنچه می دانم از تأویل آیاتی که خدا در قرآن فرستاده است بر محمّد - صلی الله علیه و آله - هر آینه همه متفرّق و پراکنده شود مگر طایفه قلیلی از اهل حقّ.

بدرستی که امر ما صعب است و اذعان به احادیث ما دشوار است، و نمی شناسد آنها را و اقرار به آنها نمی کند مگر ملک مقرّبی یا پیغمبر مرسل یا بنده مؤمنی به حیثیتی که خدا امتحان کرده باشد دل او را برای ایمان.

ای ابی الطفیل چون رسول خدا از دنیا رفت مردم همه متفرّق و مرتدّ و پراکنده و گمراه شدند مگر آنها که خدا ایشان را به برکت ما اهل بیت نگاه داشت.

۱- هود / ۱۷

۲- نمل / ۴۰

۳- زمر / ۳۳

[رجعت مکرر حضرت علی(ع)]

□ و در «منتخب البصائر» از سعد بن عبدالله روایت کرده است از جابر جعفی از حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - که: علی را در زمین رجعتی خواهد بود با فرزندش، حسین با علم خود خواهد آمد تا انتقام بکشد از بنی امیه و معاویه و آل معاویه و هر که با آن حضرت جنگ کرده باشد پس خدا یاوران او را از اهل کوفه زنده کند و هفتاد هزار کس از سایر مردم پس با ایشان ملاقات می کند در صفین، مثل مرتبه اول، تا همه را بکشد و کسی از ایشان نماند که خبر بیرون برد. پس خدا ایشان را ببرد بسوی بدترین عذابها با فرعون و آل فرعون.

پس بار دیگر امیرالمؤمنین - علیه السلام - رجوع کند با رسول خدا، و او خلیفه باشد بر زمین و سائر ائمه عاملان او باشند در اطراف زمین تا عبادت حق تعالی آشکار کرده شود، چنانچه پیشتر پنهان عبادت کرده بودند و اضعاف آن عبادت خواهد شد و حق تعالی به پیغمبرش خواهد داد به قدر پادشاهی جمیع اهل دنیا از روزی که خدا خلق کرده است دنیا را، تا روزی که دولتهای دیگران برطرف شود، تا آنکه حق تعالی وفا کند به وعدهای که او را داده که غالب گرداند خدا او را بر همه دینها هرچند نخواهند مشرکان.

[رجعت امام حسین(ع) و انتقام از یزید و اتباعش]

□ و عیاشی از حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - روایت کرده است که: اول کسی که به دنیا برمیگردد حضرت امام حسین

- علیه السّلام - است و اصحاب او، و یزید و اصحاب او خواهند بود؛ پس همه ایشان را بکشند مثل آنکه ایشان کشته‌اند، چنانچه حقّ تعالی فرموده است: ﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ اَمَدَدْنَاكُمْ بِاَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ اَكْثَرَ نَفِيراً﴾^(۱)، یعنی: «پس گردانیدیم از برای شما غلبه بر ایشان را و اعانت کردیم شما را به مالها و پسرها و گردانیدیم لشکرها را شما را زیاده از لشکرها را آنها».

[رجعت اهل حضرت علی (ع) بسان رجعت اولاد ایوب]

□ و شیخ کشی و شیخ مفید در «ارشاد» و در «مجالس» به سندهای بسیار معتبر از عبایه اسدی و اصبع بن نباته و غیر ایشان روایت کرده‌اند از حضرت امیرالمؤمنین - علیه السّلام - که گفت: منم سیّد و مهتر، پیران و در من سنتی از ایوب هست. به خدا قسم که حقّ تعالی از برای من، اهل مرا بسوی من جمع خواهد کرد. چنانچه از برای ایوب اولاد او را زنده کرد و جمع کرد.

[رجعت اسماعیل بن جعفر صادق]

□ و ایضاً شیخ کشی از حضرت امام جعفر صادق - علیه السّلام - روایت کرده است که فرمود که: من سؤال کردم از خدا که اسمعیل فرزند مرا بعد از من باقی بدارد ابا کرد، و لکن در باب او منزلت دیگر حقّ تعالی به من عطا کرد که او اوّل کسی باشد که در رجعت بیرون آید با ده نفر از

اصحاب خود که یکی از آنها عبدالله بن شریک عامری باشد و او علمدارش خواهد بود.

[رجعت عبدالله بن شریک]

□ و از حضرت امام محمد باقر - علیه السلام - روایت کرده است که: گویا می بینم عبدالله بن شریک را که عمامه سیاهی بردارد و علامت در میان دو کتفش آویخته و از دامن کوه بالا می رود در پیش روی قائم ما با چهار هزار کس که در رجعت زنده شده اند و صدا به تکبیر بلند کرده اند.

[رجعت داود رقی]

□ و ایضاً شیخ کشی روایت کرده است که: از داود رقی که گفت به خدمت امام جعفر صادق - علیه السلام - عرض کردم که من پیر شده ام و استخوانهایم باریک شده است و می خوانم ختم اعمال من به آن باشد که در راه شما کشته شوم. حضرت فرمود که: چاره ای از این نیست که اگر در این وقت نشود در رجعت خواهد شد.

[واقعه بین ماه جمادی و رجب]

□ و شیخ حسن بن سلیمان از کتاب «خطب امیرالمؤمنین» - علیه السلام - خطبه طولانی از آن حضرت روایت کرده است، و در عرض آن خطبه فرمود که: ضبط نمی کند احادیث ما را مگر قلعه های

حصین یا سینه‌های امین، یا عقلهای متین رزین؛ پس فرمود: ای عجب و کل عجب از آنچه واقع خواهد شد در میان ماه جمادی و رجب. پس مردی از شرطۃ الخمیس پرسید که: این چه تعجّب است که می‌فرمائید؟

حضرت فرمود: تعجّب نکنم از آن که مرده‌ای چند زنده خواهند شد و شمشیر بر سر زنده‌ها خواهند زد؛ و به حقّ خداوندی که حبّه را شکافته و گیاه را بیرون آورده و خلائق را خلق فرموده گویا می‌بینم ایشان را که در میان بازارهای کوفه راه می‌روند و شمشیرهای برهنه بر دوش گذاشته باشند و بزنند بر دشمنان خدا و رسول و مؤمنان. و این است معنی آنچه خدا فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتُولُوا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسُ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ﴾^(۱)، یعنی: «ای گروه مؤمنان دوستی مکنید با قومی که غضب کرده است خدا بر ایشان به تحقیق که ناامید گردیده‌اند از آخرت چنانچه ناامید گردیده‌اند کافران از اصحاب قبرها».

[رجعت عایشه]

□ و ابن بابویه در علل الشرایع روایت کرده است از حضرت امام محمّد باقر - علیه السّلام - که: چون قائم ما ظاهر شود عایشه را زنده کند تا بر او حدّ بزند و انتقام فاطمه را از او بکشند.

[باران ماه رجب و احیای اموات]

□ و شیخ مفید در ارشاد از حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - روایت کرده است که: چون وقت قیام قائم آل محمد - صلی الله علیه و آله - بشود در جمادی الاخر، و ده روز از ماه رجب بارانی ببارد که خلایق مثل آن را ندیده باشند. پس برویاند خدا به آن باران گوشتهای مؤمنان و بدنهای ایشان را در قبرهای ایشان، و گویا نظر می‌کنم به سوی ایشان که آیند از جانب قبیله جهنیه و خاک قبر را از سرهای خود افشانند.

[یاران رجعت یافته حضرت مهدی (عج)]

□ و ایضاً از آن حضرت روایت کرده است که: بیرون می‌آید با قائم از پشت کوفه - یعنی نجف - بیست و هفت نفر با پانزده نفر از قوم موسی، از آنها که حق تعالی فرموده است که هدایت می‌کردند به حق و به حق عدالت می‌کردند، و هفت نفر از اصحاب کهف و یوشع بن نون و سلمان و ابوذر و جابر انصاری و مقداد و مالک اشتر، پس در پیش روی آن حضرت خواهند بود و یاوران و حاکمان او خواهند بود.

[بیعت حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) با حضرت مهدی (عج)]

□ و عیاشی نیز این حدیث را ذکر کرده است و نعمانی روایت کرده است از حضرت امام محمد باقر - علیه السلام - که: چون قائم آل محمد - صلی الله علیه و آله - بیرون آید خدا او را یاری کند به ملائکه و

اوّل کسی که با او بیعت کند محمّد باشد و بعد از آن علی.

[رجعت حضرت علی(ع)]

□ و شیخ طوسی و نعمانی از حضرت امام رضا - علیه السّلام - روایت کرده است که: از علامات ظهور حضرت قائم آن است که بدن برهنه‌ای در پیش قرص آفتاب ظاهر خواهد شد و منادی ندا خواهد کرد که این امیرالمؤمنین است، برگشته است که ظالمان را هلاک کند.

[رجعت مؤمنان به ندای ملک الهی]

□ و ایضاً شیخ روایت کرده است از حضرت ابی عبدالله که: چون قائم ما خروج کند نزد قبر هر مؤمنی ملکی بیاید و او را ندا کند که ای فلان صاحب تو و امام تو ظاهر شده است اگر می خواهی ملحق شوی به او ملحق شو، و اگر می خواهی در نعمت و کرامت خدا باشی همان جا باش، پس بعضی بیرون آیند و بعضی در نعیم الهی بمانند.

[خواندن دعای عهد باعث رجعت مؤمن است]

□ و در زیارت جامعه مشهوره و اکثر زیارات منقوله خصوصاً زیارت حضرت امام حسین - علیه السّلام - ذکر رجعت و اظهار اعتقاد به آن مذکور است، و در «[مصباح] متهجد» و «مصباح الزائر» و سایر کتب از حضرت امام جعفر صادق - علیه السّلام - منقول است که: هر که دعای عهدنامه را چهل صباح بخواند از انصار حضرت قائم باشد و اگر پیش از

ظهور آن حضرت بمیرد حق تعالی او را از قبر بیرون آورد در وقت خروج آن حضرت.

و در عهدنامه مزبور مذکور است که: خداوندا اگر حایل شود میان من و آن حضرت مرگی که بر بندگان خود حتم و لازم گردانیده‌ای پس بیرون آور مرا از قبر من در حالتی که کفن خود را بر کمر بسته باشم و شمشیر و نیزه خود را برهنه کرده باشم و لبیک گویم دعوت کسی را که جمیع خلق را بسوی یاری او دعوت می‌نماید.

[دلالت زیارت بعید حضرت رسول (ص) بر رجعت]

□ و شیخ در مصباح از حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - زیارت بعید حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - و ائمه - علیهم السلام - را روایت کرده است و در آن روایت مذکور است که: من قائلم به فضل شما و اقرار دارم به رجعت شما و انکار نمی‌کنم قدرت خدا را بر هیچ چیز، و قائل نمی‌شوم مگر به آنچه خدا خواسته است.

[دلالت زیارتهای امام حسین (ع) بر رجعت]

□ و صاحب کامل الزیارة از حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - زیارتی از برای حضرت امام حسین - علیه السلام - روایت کرده است و در آن زیارت مذکور است که: یاری من از برای شما مهیا است تا حکم کند خدا و مبعوث گرداند شما را، پس با شما خواهم بود نه با دشمنان شما پس من از آنهایم که ایمان دارم به رجعت شما و انک

نمی‌کنم هیچ قدرت خدا را و تکذیب نمی‌کنم هیچ مشیت او را، و نمی‌گویم هیچ چیزی را که خدا خواهد نمی‌تواند بود.

و به سند صحیح در زیارت دیگر همین مضمون را روایت کرده‌اند.

□ و ایضاً به سند معتبر زیارت دیگر از برای حضرت امام حسین - علیه السلام - و جمیع ائمه روایت کرده‌است، و در آن زیارت مذکور است که: خداوندا مبعوث گردان او را در زمان پسندیده که انتقام بکشی به او از برای دین خود و بکشی به او دشمن خود را، بدرستی که تو او را وعده کرده‌ای، و توثی پروردگاری که خلف وعده نمی‌کنی.

[ارجعت مؤمنان در حال تلبیه کردن]

□ و کلینی در وصف قبض روح مؤمن از حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - روایت کرده‌است در حدیث طولانی که فرمود: پس روح مؤمن زیارت می‌کند آل محمّد را در بهشت‌های رضوی، و می‌خورد با ایشان از طعام ایشان و می‌آشامد با ایشان از شرابشان، و با ایشان سخن می‌گوید در مجالس ایشان تا خروج کند قائم آل محمّد؛ پس خدا زنده می‌گرداند ایشان را، پس با او می‌آیند تلبیه‌گویان فوج فوج، پس در آن وقت به شک می‌افتند اهل بطلان و مضمحل می‌شوند مخالفان، و از این جهت بود که حضرت رسول به حضرت امیر گفت که وعده گاه ما و تو وادی السلام است یعنی نجف اشرف.

[دلالت دعای سرداب غیبت بر رجعت]

□ و در دعائی که در سرداب غیبت حضرت صاحب باید خواند مذکور است که پروردگارا توفیق ده مرا که به اطاعت قائم قیام نمایم و در خدمت او باشم و از معصیت او اجتناب نمایم، و اگر مرا پیشتر از دنیا ببری پس بگردان مرا ای پروردگار من از آن جماعتی که برمی گردند در رجعت او، و پادشاهی می کنند در دولت او و متمکن می گردند در ایّام او، و در زیر علم سعادت شیم او می باشند و محشور می شوند در زمره او و روشن می شود دیده ایشان به رؤیت او.

[دلالت توقیع شریف بر رجعت حضرت امام حسین(ع)]

□ در کتاب «اقبال» و «مصباح» روایت کرده است که: توقیعی از حضرت صاحب بیرون آمد بسوی ابوالقاسم بن العلاء که روز سیّم ماه شعبان که روز ولادت امام حسین - علیه السلام - است که این دعا را باید بخوانند، و دعا را فرمود تا آنجا که ترجمه اش این است که در مدح حضرت امام حسین می فرماید که: سیّد قبیله است و اعانت کرده شده است به نصرت در روز رجعت، و به عوض شهادت به او داده اند که امامان از نسل او باشند، و شفا در تربت او باشد، و رستگار گردند مردم به او در برگشتن او و برگشتن اوصیاء از عترت او و بعد از قائم و غیبت او، تا طلب خون خود و اصحاب خود بکنند و خداوند جبّار را راضی گردانند.

و در آخر دعا فرمود که: ما پناه به غیر او می آوریم و انتظار برگشتن او می کشیم.

[رجعت گروهی از شیعیان]

□ و کلینی و عیاشی و شیخ مفید و سید بن طاووس به سندهای خود روایت کرده اند از ابوبصیر که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - از تفسیر قول حق تعالی: «واقسموا بالله جهد ايمانهم لا يبعث الله من يموت»^(۱)، یعنی «و قسم می خورند به خدا به مبالغه تمام که خدا زنده نمی گرداند آنها را که مرده اند بلکه زنده می گرداند و وعده لازمی است بر خدا، ولیکن اکثر آنها نمی دانند» حضرت پرسید: سنّیان چه می گویند با تو و تو چه می گوئی در این آیه؟

گفتم: مشرکان می گویند و سوگند یاد می کنند که خدا مرده ها را در قیامت زنده نمی کند.

حضرت فرمود که: هلاک و زیانکار باد کسی که این سخن را می گوید؛ پرس از ایشان که مشرکان سوگند ایشان به خدا بود یا به لات و عزّی؟

ابوبصیر گفت: فدای تو شوم بفرما معنی آیه را؟

حضرت فرمود که: چون قائم ما ظاهر شود خدا جماعتی از شیعیان ما را زنده گرداند برای او که شمشیرها بر دوش گذاشته مهیّای جنگ به

یاری آن حضرت بیایند، چون این خبر به جمعی از شیعیان ما برسد که نمرده باشند گویند که ای گروه شیعه چه بسیار دروغ می گوئید، شما این زمان دولت شما است و هر دروغی که می خواهید می گوئید، و الله که زنده نشده اند آنها و تا قیامت زنده نخواهند شد و حق تعالی در این آیه حکایت قول ایشان را فرموده است.

ارجعت و نمازگزاردن حضرت امام حسین

بر جسد مبارک حضرت مهدی (عج)

□ و ایضاً کلینی از حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - روایت کرده است در تأویل قول حق تعالی: ﴿و قُضِيَنا اِلٰی بَنِي إِسْرَٰئِيلَ فِی الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِی الْاَرْضِ مَرَّتَیْنِ﴾^(۱)، یعنی: «وحی کردیم بسوی بنی اسرائیل در کتاب که افساد خواهید کرد در زمین دو مرتبه». و حضرت فرمود که: اشاره است به قتل حضرت امیرالمؤمنین - علیه السلام - و خنجر زدن بر ران حضرت امام حسن، علیه السلام. ﴿و لتعلن علواً کبیراً﴾، «و طغیان خواهید کرد طغیان بزرگی». حضرت فرمود که: اشاره است به قتل حضرت امام حسن، علیه السلام. ﴿فاذا جاء وعد اولیھما﴾، «پس هرگاه بیاید وعده انتقام اوّل ایشان» فرمود که: هرگاه بیاید وعده انتقام خون حسین، علیه السلام. ﴿بعثنا علیکم عباداً لنا اولى باس شدید فجاسوا خلال الدیار﴾، یعنی «فرستادیم بر شما بندگان را از ما که صاحب باس و قدرت عظیم

بودند در جنگ پس گردند در میان خانه‌ها برای کشتن و اسیر کردن شما»، حضرت فرمود که: اشاره است به جماعتی که خدا ایشان را مبعوث گردانید پیش از بیرون آمدن حضرت قائم، پس نخواهند گذاشت کسی را که احدی از آل محمّد را کشته باشد مگر آنکه او را خواهند کشت.

«و کان وعداً مفعولاً»، و «بود وعده کرده شده» فرمود که: اشاره است به قیام قائم.

«و ثم ردّنا لكم الكرة عليهم»، اشاره است به خروج امام حسین - علیه السّلام - با هفتاد نفر از اصحابش که خودهای مطلقاً بر سر داشته باشند که هر خود دو رو داشته باشد، و به مردم گویند که این حسین است که بیرون آمده است تا مؤمنان شک در او نکنند و بدانند که دجال و شیطان نیست، و حضرت قائم در آن وقت در میان ایشان باشد.

پس چون معرفت حضرت امام حسین - علیه السّلام - در دلهای مؤمنان قرار گیرد حضرت قائم - علیه السّلام - از دنیا برود و حضرت امام حسین - علیه السّلام - او را غسل دهد و کفن و حنوط کند و بر او نماز کند و او را در لحد بگذارد زیرا که امور وصی را به غیر از وصی کسی مرتکب نمی‌شود.

مؤلف گوید: که اگر کسی گوید که حضرت امام حسین - علیه السّلام - را کی غسل خواهد داد؟

جواب گوئیم که: چون آن حضرت در این نشأه شهید در معرکه بود احتیاج به غسل ندارد یا ائمه بعد از آن حضرت که به دنیا برگردند آن

حضرت را غسل دهند و نماز کنند بر او تا به نفخ صور منتهی شود.
و این آیات اگرچه به حسب ظاهر در شأن بنی اسرائیل واقع شده است اما چون آنچه در امام سابقه واقع شده است شبیه و نظیر آن در این امت واقع می شود حق تعالی آن قصص را برای تنبیه این امت ذکر کرده است پس اشاره است به این وقایع که در این امت واقع خواهد شد.

[مدّت حکومت برخی از ائمه - علیهم السلام - در رجعت]

□ و شیخ مفید و شیخ طوسی به سندهای معتبر از جابر از امام محمد باقر - علیه السلام - روایت کرده اند که: به خدا سوگند که مردی از ما اهل بیت پادشاهی خواهد کرد بعد از وفاتش سیصد و نه سال.

گفتم: این چه وقت خواهد بود؟

فرمود: بعد از آنکه قائم از دنیا برود.

گفتم: قائم - علیه السلام - چند سال پادشاهی می کند؟

فرمود: نوزده سال و بعد از وفات آن حضرت هرج و مرج و فتنه بسیار خواهد بود تا پنجاه سال پس منتصر یعنی انتقام کشنده به دنیا خواهد آمد که امام حسین - علیه السلام - است و طلب خون خود و اصحاب خود را خواهد کرد و آنقدر بکشد و اسیر کند که مردم بگویند که اگر این ذریه پیغمبران بود اینقدر آدم نمی کشت پس بعد از آن سفاح بیرون آید یعنی جناب امیرالمؤمنین، علیه السلام.

[شش موهبت به حضرت علی(ع)]

□ و کلینی و صفار به سندهای بسیار از حضرت امام محمد باقر - علیه السلام - روایت کرده‌اند که: حضرت امیرالمؤمنین - علیه السلام - فرمود که خدا شش چیز به من داده است: دانستن مرگها و بلاها و حکم به حق در میان خلائق، و منم صاحب رجعتها، و منم صاحب دولتها و منم صاحب عصا و میسم، و منم دابّه که با مردم سخن خواهد گفت.

[رجعت پیش از قیامت]

□ و در «تهذیب» و در «کافی» روایت کرده‌اند از حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - که: روزها و شبها نخواهد رفت تا خدا مرده‌ها را زنده کند.

[پادشاهی حضرت امام حسین در رجعت]

□ کلینی و علی بن ابراهیم روایت کرده‌اند از حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - که حق تعالی خبر داد رسول خدا را و بشارت داد او را به امام حسین، پیش از آنکه فاطمه به او حامله شود به آن که امامت در فرزندان او خواهد بود تا روز قیامت، پس خبر داد آن حضرت را به آنچه به امام حسین خواهد رسید از کشته شدن و مصیبتها که به خودش و به فرزندانش می‌رسد. پس عوض داد او را از شهادت به آنکه امامت در عقب او باشد، و اعلام کرد آن حضرت را که او کشته خواهد شد، پس خدا او را به دنیا برخواهد گردانید و یاری او خواهد کرد تا دشمنان خود

را بکشد و او را پادشاه روی زمین گرداند چنانچه در قرآن مجید فرموده است که «می خواهیم منت گذاریم بر آنها که ایشان را ضعیف گردانیده اند در زمین و بگردانیم ایشان را از امامان و وارثان روی زمین». و فرموده است که: «به تحقیق که نوشته ایم در زبور بعد از ذکر حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - که زمین را به میراث خواهند برد بندگان شایسته ما»، پس خدا بشارت داد پیغمبرش را که اهل بیت تو مالک زمین خواهند شد و به سوی زمین برخوانند گشت و دشمنان خود را خواهند کشت.

[حکمرانی حضرت امام حسین بعد از حضرت مهدی (عج)]

□ و سید علی بن عبدالحمید در کتاب «انوار مضيئه» روایت کرده است که: از حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - سؤال کردم از رجعت که آیا حق است؟ فرمود: بلی.

پرسیدم که: اوّل کسی که رجعت خواهد کرد کی خواهد بود؟ فرمود: حضرت امام حسین - علیه السلام - خواهد بود که بعد از حضرت قائم - علیه السلام - بیرون خواهد آمد با اصحابش که با او شهید شدند و هفتاد پیغمبر با او خواهند بود چنانچه با حضرت موسی - علیه السلام - مبعوث شدند، پس حضرت قائم - علیه السلام - انگشتر خود را به او خواهد داد و از دنیا خواهد رفت و حضرت امام حسین - علیه السلام - او را غسل و کفن و حنوط خواهد کرد و او را در قبر

مدفون خواهد کرد.

[هفتاد هزار نفر یاور حضرت مهدی (عج)]

□ و ایضاً از کتاب فضل بن شاذان روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - که چون قائم - علیه السلام - ظاهر شود و داخل کوفه شود حقّ تعالی از پشت کوفه هفتاد هزار صدیق را مبعوث خواهد گردانید که در میان اصحاب او و از یاران او باشند.

[رجعت اسماعیل بن حزقیل با امام حسین (ع)]

□ و ابن قولویه در «کامل الزیارة» به سند معتبر از برید عجلّی روایت کرده است که گفت: از حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - پرسیدم از اسمعیل که خدا او را در قرآن صادق الوعد گفته است، آیا اسمعیل پسر ابراهیم است؟

حضرت فرمود: نه بلکه اسمعیل پسر حزقیل است که پیغمبر بود و خدا او را مبعوث گردانید بر قومش، پس تکذیب او کردند و پوست سر و روی او را کردند، و حقّ تعالی غضب کرد بر ایشان و سطا طائیل ملک عذاب را به سوی او فرستاد، و گفت: پروردگار عزّت مرا به سوی تو فرستاده است که قوم تو را عذاب کنم به سخت ترین عذابها اگر خواهی. اسمعیل گفت: مرا احتیاجی نیست.

حقّ تعالی به او وحی کرد که: پس حاجت تو چیست ای اسمعیل.

گفت: پروردگارا تو عهد و پیمان گرفتی از برای خود به پروردگاری و از برای محمد - صلی الله علیه و آله - به پیغمبری و از برای اوصیاء او به امامت، و خبر دادی خلق خود را به آنچه امت او نسبت به حسنین خواهند کرد بعد از پیغمبر ایشان، و وعده دادی حسین را که او را به دنیا برگردانی تا انتقام بکشی از آنها که این ستم را نسبت به او کردند، پس حاجت من بسوی تو آن است ای پروردگار من که مرا برگردانی بسوی دنیا تا انتقام خود را بکشم از آنها که نسبت به من این کار کرده‌اند چنانچه حسین را برخواهی گردانید، پس حقّ تعالی اسمعیل بن حزقیل را وعده داد که چنین کند، لهذا با حضرت امام حسین به دنیا برخواهد گشت.

[یاری ملائکه به امام حسین(ع) در رجعت]

□ و ایضاً از جریر روایت کرده است که گفت: به حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - عرض کردم که فدایت شوم چه بسیار کم است بقای شما اهل بیت در دنیا، و چه بسیار نزدیک است اجلهای شما به یکدیگر، با احتیاج عظیمی که خلق به شما دارند.

حضرت فرمود که: هریک از ما صحیفه‌ای داریم که در آن نوشته است آنچه باید به آن عمل کنیم در مدّت حیوة خود چون اینها منقضی شود می‌دانیم که وقت اجل ما رسیده است و مدّت حیاة ما منقضی شده است، و در آن وقت حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - می‌آید و خبر وفات ما را به ما می‌دهد و ثوابهای عظیم حقّ تعالی را به ما بشارت می‌دهد. و حضرت امام حسین - علیه السلام - چون به صحیفه خود نگاه

کرد نوشته بود آنچه در حال حیاة خود کند و آنچه باقی ماند بعد از این خواهد کرد، پس رفت به قتال به امر خداوند ذوالجلال و شهید شد و از جمله اموری که باقی مانده بود که گروهی از ملائکه از حقّ تعالی رخصت طلبیدند که به یاری او بیایند و چون به یاری او آمدند حضرت شهید شده بود، حقّ تعالی وحی کرد بسوی ایشان که ملازم قبّه او باشید تا از قبر بیرون آید در رجعت، و یاری او بکنید، پس گریه کنید بر او و بر آنچه از شما فوت شده است از یاری او، و شما مخصوص گردیده‌اید به یاری او و گریستن بر او پس آن ملائکه بر او می‌گریند و چون او بیرون آید از یاوران او خواهند بود.

[تفسیر راجفه و رادفه به رجعت ائمه (ع)]

□ و در تفسیر محمّد بن العباس ماهیار و فرات بن ابراهیم و مناقب شاذان بن جبرئیل از حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - روایت کرده‌اند در تأویل قول حقّ تعالی: «یوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة»^(۱)، یعنی: روزی که می‌لرزند حرکت کننده‌ها و متحرک گردند آنها که ساکن بودند و از پی آنها می‌آید هرچه در ردیف آن است»، فرمود که: «راجفة» حسین بن علی است، و «رادفة» علی بن ابی طالب است، و اوّل کسی که از قبر بیرون آید حسین بن علی است با هفتاد و پنج کس و آن است تأویل قول حقّ تعالی «انا لننصر رسلنا»^(۲) چنانچه

۱- نازعات / ۶-۷

۲- غافر / ۵۱

گذشت.

[دلالت آیه سوره نبأ بر رجعت]

□ و حسن ابن سلیمان از کتاب «تنزیل» روایت کرده است از جناب امام جعفر صادق - علیه السلام - که «کلا سوف تعلمون»^(۱)، یعنی: در رجعت، «ثم کلا سوف تعلمون»^(۲) یعنی: در قیامت.

[انتقام حضرت علی(ع) از بنی امیه در رجعت]

□ و محمد بن العباس به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر - علیه السلام - روایت کرده است در تفسیر قول حق تعالی: «ان نشأ ننزل علیهم من السماء آیه فظلت اعناقهم لها خاضعین»^(۳)، یعنی «اگر خواهیم می فرستیم بر ایشان از آسمان آیتی پس می گردد گردنهای ایشان از برای این آیت ذلیل». حضرت فرمود گردنهای بنی امیه برای آن آیت ذلیل و خاضع می گردد، و آیت آن است که علی بن ابیطالب - علیه السلام - در هنگام زوال شمس ظاهر می گردد نزد قرص آفتاب از برای مردم، تا بشناسند او را به حسب و نسبش، پس بنی امیه را بکشد حتی آنکه از بنی امیه مردی خود را در پهلوی درختی پنهان کند درخت به سخن آید و فریاد کند که این مردی است از بنی امیه این جا پنهان شده است او را بکشید».

۱ - عم / ۴

۲ - عم / ۵

۳ - شعراء / ۴

[ارجعت حضرت رسول (ص) و حضرت علی (ع)]

و بنای مسجدی در کوفه]

□ و شیخ حسن بن سلیمان از کتاب «ابن ماهیار» که از اکابر محدّثین شیعه است روایت کرده است از ابومروان که گفت از حضرت امام جعفر صادق - علیه السّلام - سؤال کردم از تفسیر قول حقّ تعالی: «ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاده»^(۱).

فرمود که: دنیا آخر نمی شود تا جمع شوند رسول خدا - صلی الله علیه و آله - و امیرالمؤمنین - علیه السّلام - در ثوبه - که موضعی است از کوفه - در آنجا مسجدی بنا کنند که دوازده هزار در داشته باشد.

[طول مدت دولت حضرت محمد و آل او]

□ و ایضاً از کتاب «بشارت» سیّد علی بن طاووس روایت کرده است از عمران که: مجموع عمر دنیا صد هزار سال است بیست هزار سال دولت سایر مردم است و هشتاد هزار سال ایّام دولت محمّد و آل محمّد است.

و سیّد بن طاووس گفته است که در کتاب ظهیر بن عبد الله این روایت را از این مبسوط تر دیده ام.

[محل جلوس حضرت امام حسین(ع) در رجعت]

□ و در «کامل الزیارة» از مفضل از حضرت صادق - علیه السلام - روایت کرده است که فرمود: گویا می بینم که کرسی از نور بگذارند و بر آن نصب کنند قبه ای از یاقوت سرخ مکمل به سایر جواهر، و حضرت امام حسین - علیه السلام - بر آن کرسی نشیند و بر دور آن کرسی نور هزار قبه سبز بوده باشد، و مؤمنان آیند و آن حضرت را زیارت کنند و بر او سلام کنند. پس حق تعالی خطاب کند ایشان را که ای دوستان من آنچه خواهید از من سؤال کنید، بسیار آزار کشیدید و ذلیل و مظلوم شدید، امروز هر حاجت از حاجتهای دنیا و آخرت که از من سؤال کنید برمی آورم از برای شما پس خوردن و آشامیدن ایشان از بهشت باشد این است والله کرامت و بزرگواری عظیم.

مؤلف گوید که: حاجتهای دنیا که در این حدیث مذکور است دلالت می کند که این حدیث در رجعت خواهد بود.

[دلالت زیارت ناحیه مقدسه بر رجعت]

□ و در کتاب «احتجاج» روایت کرده است که: از ناحیه مقدسه زیارتی بیرون آمد بسوی محمد بن جعفر بن حمیری و در آن مذکور است که شهادت می دهم که تو حجّت خدائی و شمائید اوّل و آخر، و آنکه رجعت شما حق است و در آن شکی نیست، در روزی که نفع نمی دهد نفسی را ایمان او که ایمان نیاورده باشد پیشتر یا کسب کند در ایمانش خیری را.

[اقرار به رجعت از شرایط ایمان است]

□ و ابن بابویه در کتاب «صفات الشیعة» روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - که هر که اقرار کند به هفت چیز مؤمن است، و از جمله آنها ایمان به رجعت را ذکر کرده است که هر که اقرار کند به یگانگی خدا و اقرار کند به رجعت و به متعه زنان و به حج تمتع و ایمان بیاورد به معراج و به سؤال قبر و حوض کوثر و شفاعت و خلق بهشت و دوزخ و صراط و میزان و بعث و نشور و جزا و حساب، پس او مؤمن است بحق و راستی، و او از شیعیان ما اهل بیت است. و احادیث دیگر در این باب بسیار است که اکثر را در کتاب «بحار الانوار» ایراد نموده‌ام، و شک نیست در آنکه اصل رجعت فی الجمله متواتر است بالمعنی، و کسی که شک کند در آن ظاهر آن است که حشر قیامت را نیز منکر باشد، و امری که به نصوص متواتره ثابت شده باشد به محض استبعادات و هم انکار کردن آن محض بی دینی است.

و از خصوصیات که در بعضی از روایات شاذّه وارد شده جزم نمی توان کرد و انکار نیز نمی توان کرد و اختلاف در خصوصیات آن باعث نمی شود که اصلش را انکار کنند، چنانچه در بسیاری از خصوصیات حشر و بهشت و جهنّم و صراط و میزان و غیر آنها اختلاف در اخبار واقع شده است و این باعث آن نمی شود که اصلش را که ضروری دین است کسی انکار کند.

و خلاصه اش آن است که رجعت بعضی از مؤمنان و بعضی از کافران

و نواصب و مخالفان متواتر است و انکارش موجب خروج از دین تشیع است، نه خروج از دین اسلام.

و رجعت حضرت امیرالمؤمنین - علیه السلام - و حضرت امام حسن - علیه السلام - نیز متواتر است، بلکه از حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - نیز متواتر است یا قریب به تواتر.

و در سایر ائمه نیز احادیث صحیحه و معتبره بسیار وارد شده است و اگر متواتر نباشد به مرتبه‌ای رسیده است که اذعان باید کرد و انکار نباید کرد.

اما خصوصیت‌های این رجعت‌ها معلوم نیست که آیا به ظهور آن حضرت در یک زمان خواهد بود یا بعد خواهد بود و از بعضی احادیث ظاهر می‌شود که به ترتیب زمان امامت رجعت خواهند کرد.

[تفسیری از وجود «دوازده حضرت مهدی»]

□ و شیخ حسن بن سلیمان قائل شده است به آنکه هر امامی زمان امامتی دارد.

و زمان مهدی - علیه السلام - بودن دارد و حضرت صاحب الامر اوّل که ظاهر می‌شود زمان امامت او است و بعد از رجعت آباء کرام خود باز آن حضرت رجعت خواهد کرد و به این وجه تأویل کرده است آن حدیث را که از ما دوازده امام دوازده مهدی هست و این قول اگرچه بعید از صواب نیست، اما مجمل اقرار کردن و تفصیلش را به علم ایشان ردّ کردن احوط است.

[رجعت در امم سابقه]

[رجعت گروهی به دعای «ارمیای» نبی(ع)]

و ابن بابویه در رساله «اعتقادات» گفته است که اعتقاد ما در رجعت آن است که آن حقّ است و حقّ تعالی فرموده است: ﴿الم تر الى الذين خرجوا من ديارهم و هم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احياهم﴾^(۱)، ایشان هفتاد هزار خانه بودند و در میان ایشان هر سال طاعون واقع می شد و اغنیاء چون قوت داشتند بیرون می رفتند. و فقرا چون ضعیف بودند در محل خود می ماندند، و طاعون در اغنیاء کمتر از فقراء واقع می شد؛ پس یک سال همه اتفاق کردند که از دیار خود بیرون روند، چون وقت طاعون شد همه بیرون رفتند و در کنار دریا فرود آمدند، چون بارهای خود را بر زمین گذاشتند ندائی از جانب حقّ تعالی به ایشان رسید که بمیرید، پس همه مردند، مردم استخوانهای ایشان را در موضعی جمع کردند و سالها بر این حال ماندند. پس پیغمبری از پیغمبران بنی اسرائیل بر ایشان گذشت که او را ارمیا می گفتند و دعا کرد که پروردگارا اگر خواهی ایشان را زنده می توانی کرد که شهرهای تو را آباد کنند و بندگان تو از ایشان به هم رسند و تو را عبادت کنند در میان سایر عبادت کنندگان تو.

پس حقّ تعالی به او وحی کرد که می خواهی ایشان را زنده کنم از برای تو؟
گفت: بلی.

پس همه ایشان را خدا زنده کرد به دعای آن پیغمبر و با او رفتند پس این جماعت مردند و به دنیا برگشتند پس به اجلهای خود مردند.

[رجعت حضرت عزیر]

و ایضاً در قرآن مجید قصه حضرت عزیر وارد شده است که حقّ تعالی او را میراند و بعد از صد سال زنده گردانید و بعد از آنکه سالها زنده ماند به اجل مقدر خود مرد.

[رجعت هفتاد نفر از قوم حضرت موسی (ع)]

و حقّ تعالی ذکر کرده است قصه هفتاد نفر را که حضرت موسی از قوم خود اختیار کرد و با خود به «طور» برد، چون کلام خدا را شنیدند گفتند ما تصدیق نمی کنیم تا خدا را علانیه ببینیم، پس به سبب ظلم ایشان و گفتار بد ایشان صاعقه ای به ایشان رسید و همه مردند.
پس موسی - علیه السلام - گفت پروردگارا چه گویم با بنی اسرائیل چون برگردم و ایشان را با خود ببرم.

پس خدا ایشان را زنده کرد و به دنیا برگشتند و خوردند و آشامیدند و مقاربت کردند و فرزندان بهم رسانیدند، پس به اجلهای خود مردند.

[رجعت مردی از مردگان به دعای حضرت عیسی(ع)]

و حقّ تعالی به حضرت عیسی - علیه السّلام - خطاب کرد که بیاد آور وقتی را که زنده می‌کردی مردگان را به اذن من، و جمیع مرده‌ها را که زنده کرد به اذن خدا برگشتند به دنیا و مدتها ماندند و بعد از آن مردند به اجلهای خود.

[رجعت اصحاب کهف]

و اصحاب کهف سی صد و نه سال مردند و خدا ایشان را زنده کرد و به دنیا برگشتند.

و مثل اینها بسیار است که دلالت می‌کند بر آنکه رجعت در امم سابقه واقع شده است و رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود که: می‌باشد در این امت مثل آنچه در امم سابقه واقع شده است مانند دوتای نعل و پره‌ای تیر با یکدیگر، پس باید که در این امت نیز رجعت واقع شود.

و مخالفان ما نقل کرده‌اند که چون حضرت قائم بیرون آید عیسی - علیه السّلام - از آسمان فرود آید و در عقب او نماز کند و نزول او به زمین زنده شدن بعد از مرگ است، زیرا که حقّ تعالی فرموده است که ﴿انی متوفیک و رافعک الیّ﴾^(۱)، و بعد از آن بعضی آیات سابقه را که دلالت بر رجعت می‌کند ایراد نموده.

و آنچه در باب موت حضرت عیسی و اصحاب کهف فرموده نزد

فقیر محل تأمل است و در «حیة القلوب» و «بحار الانوار» مذکور است تحقیق آنها. و ختم می‌نمائیم این مبحث را به ایراد حدیث مشهور مفضل.

[رجعت حضرت مهدی (عج) و چگونگی آن در حدیث مفضل]

□ شیخ حسن بن سلیمان در کتاب «منتخب البصائر» روایت کرده است به سند معتبر از مفضل بن عمر که گفت: سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - که آیا آن امامی که مردم انتظار ظهور او می‌کشند و امیدوار فرج او هستند - یعنی مهدی صاحب الزمان - وقت معلوم معینی برای خروج آن حضرت هست؟

[عدم جواز تعیین وقت ظهور]

فرمود که: حقّ تعالی ابا نموده از اینکه از برای ظهور او وقت تعیین فرماید که شیعیان بدانند، پس فرمود که: آیاتی که حقّ سبحانه و تعالی در امر قیام ساعت در قرآن مجید فرموده است همگی در باب قیام آن حضرت نازل شده است، و هرکس برای ظهور مهدی ما وقتی معین قرار دهد خود را با خدا در علم غیب شریک گردانیده و دعوای اطلاع بر اسرار غیب الهی کرده است.

[چگونگی آغاز ظهور]

مفضل گفت که: ای مولای من چگونه خواهد بود ابتدای ظهور؟

آن حضرت فرمود که: بی خبر ظاهر خواهد گردید و نامش بلند شود و امرش هویدا گردد، و از آسمان منادی به اسم و کنیت و نسبش ندا کند، تا آنکه حجّت شناخت او بر خلق تمام شود با آن حجّتی که ما بر خلق لازم ساخته ایم و قصه ها و احوالش را بیان کرده ایم و نام و نسب و کنیتش را برای مردم ظاهر کرده ایم که نام و کنیتش مثل جدّ او است، تا آنکه مردم نگویند که ما نام و نسب او را نمی دانستیم، پس خدا او را به همه دینها غالب گرداند، چنانچه حقّ تعالی پیغمبرش را وعده داده است که: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^(۱)، یعنی: «حقّ تعالی فرستاد پیغمبرش را با هدایت و دین حقّ تا او را غالب گرداند بر همه دینها و هرچند کراحت داشته باشند آنها که به خدا شرک می آورند» و در آیه دیگر فرموده است که: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ﴾^(۲)، یعنی: «قتال کنید با کافران تا آنکه در زمین فتنه و کفر نباشد و بوده باشد دینها همه از برای خدا».

پس فرمود که: واللّه ای مفضل بردارد از جمیع ملتها و دینها اختلاف را و همه دین به دین حقّ برگردد و از هیچکس به غیر دین قبول نکنند چنانچه حقّ تعالی فرموده است: ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾^(۳)، یعنی: «هر که طلب نماید غیر اسلام را، پس هرگز از او قبول نکنند و او در آخرت از زیانکاران باشد».

۱ - توبه / ۳۳، صف / ۹

۲ - انفال / ۳۹

۳ - آل عمران / ۸۵

[مخاطبان حضرت مهدی در غیبت]

مفضل پرسید که: در ایّام غیبت، آن حضرت با کی مخاطبه خواهد فرمود، و کی با او سخن خواهد گفت؟
فرمود که: ملائکه و مؤمنان از جنّ و امر و نهیش بیرون خواهد آمد بسوی معتمدان و نایبان آن حضرت که به شیعیانش برسانند.

[ظاهر حضرت مهدی (عج) در موقع ظهور]

والله ای مفضل گویا می بینم عصای آن حضرت را که داخل شود و برد حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - در بر و عمامه زردی بر سر داشته باشد و در پاهایش نعلین حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - و در دستش عصای آن حضرت بوده باشد، و بزی چند در پیش افکنده باشد تا کسی او را نشناسد، و به این هیئت بیاید به نزد خانه کعبه تنها و بی رفیق؛ پس چون شب درآید و دیده ها به خواب رود جبرئیل و میکائیل و صف صف از ملائکه بر او نازل شوند، پس جبرئیل گوید: «ای آقای من سخن تو مقبول است و امر تو جاری»؛ پس حضرت صاحب علیه السلام - دست بر روی مبارک خود کشد و گوید: «حمد و سپاس خداوندی را سزا است که وعده ما را راست گردانید و زمین بهشت را بر ما میراث داد که هر جا که خواهیم قرار بگیریم، پس نیکو مزدی است مزد کارکنان برای خدا».

[ندای حضرت مهدی بر عالمیان]

پس بایستد میان رکن حجرالاسود و مقام ابراهیم و به صدای بلند ندا کند که: «ای گروه بزرگواران و مخصوصان من و آنها که حقّ تعالی ایشان را برای یاری من ذخیره کرده است، پیش از ظاهر شدن من بر روی زمین بیائید بسوی من».

حقّ تعالی صدای آن حضرت را برساند به ایشان در هر جای عالم که باشند از مشرق و مغرب عالم و بر هر حالتی که بوده باشند، پس بشنوند همه به یک آواز و همگی متوجّه آن حضرت شوند، و به یک چشم برهم زدن همه حاضر شوند نزد آن حضرت در مابین رکن و مقام. پس عمودی از نور بلند شود از زمین به سوی آسمان که هر مؤمنی که بر روی زمین باشد از آن روشنی یابد و آن نور در میان خانه‌های مؤمنان درآید و جانهای ایشان به آن فرح یابد اما ندانند که قائم آل محمد - صلی الله علیه و آله - ظاهر شده است.

پس چون صبح شود سیصد و سیزده تن که به طيّ الارض از اطراف عالم به خدمت آن حضرت حاضر شده‌اند همه در خدمتش ایستاده باشند، پس پشت به کعبه دهد و دست خود را بگشاید و مانند دست موسی از نور عالم را روشن کند، پس گوید که: «هر که با این دست بیعت کند چنان است که با خدا بیعت کرده است».

[بیعت جبرئیل و ملائکه، جنّ و نقبا با حضرت مهدی (عج)]

پس اوّل کسی که دستش را ببوسد جبرئیل باشد، پس سایر ملائکه با

او بیعت نمایند، پس نجیبان جنّ به شرف بیعت برسند، پس سیصد و سیزده نفر نقباء به بیعت او سرافراز گردند، آنگاه مردم مکه فریاد برآورند که کیست این شخص که در جانب کعبه ظاهر گردیده و چه جماعت اند اینها که با اویند، پس بعضی گویند که صاحب همان بزها است که داخل مکه شد، پس بعضی گویند که هیچیک از اصحابش را می شناسید گویند که نمی شناسیم هیچیک را مگر چهار نفر از اهل مکه و چهار نفر از اهل مدینه که اینها را به نام و نسب می شناسیم. و این بیعت در اوّل طلوع آفتاب باشد.

پس چون آفتاب بلند شود از پیش قرص آفتاب منادی ندا کند به آواز بلند که اهل آسمانها و زمینها بشنوند که ای گروه خلائق این مهدی آل محمد است و بنام و کنیت جدّش او را یاد کند و نسبت دهد او را به امام حسن پدرش امام یازدهم و دیگر پدراناش را بشمارد تا حسین بن علی، با او بیعت کنید تا هدایت بیابید و مخالفت او ننمائید که گمراه میشوید!

پس اوّل کسی که آن ندا را لبیک می گوید و اجابت می کند ملائکه، پس مؤمنان جنّ، پس سیصد و سیزده نفر که نقبای آن حضرتند می گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم»، و هیچ صاحب گوشه از خلائق نمی ماند مگر آنکه آن صدا را می شنوند، و متوجّه می شوند خلائق از شهرها و صحراها و دریاها و بیابانها؛ پس چون نزدیک به غروب آفتاب شود شیطان ندا کند که پروردگار شما در وادی یابس ظاهر شده است و او عثمان بن عنبسه است از فرزندان یزید بن معاویه با او بیعت کنید تا

هدایت بیابید و مخالفت نکنید که گمراه می شوید.
 پس ملائکه و جنّ و نقباء همه او را تکذیب کنند و دانند که او شیطان
 است، و گویند که شنیدیم امّا باور نمی کنیم، پس هر صاحب شکی و
 منافقی و کافری که باشد به ندای آخر از راه برود.

[خواندن کتب انبیاء بر امم آنها در کعبه]

و در تمام آن روز حضرت صاحب پشت به کعبه داده گوید که هر که
 خواهد نظر کند به آدم و شیث و نوح و سام و ابراهیم و اسماعیل و
 موسی و یوشع و عیسی و شمعون، پس نظر کند به من که علم و کمال
 همه با من است، و هر که خواهد نظر کند به محمّد و علیّ و حسن و
 حسین و ائمّه از ذریّه حسین - علیهم السّلام - پس نظر کند به من، و آنچه
 خواهد از من سؤال کند که علم همه نزد من است، آنچه آنها مصلحت
 ندانستند و خبر ندادند من خبر می دهم، و هر که کتب آسمانی و صحف
 پیغمبر را می خواهد بیاید و از من بشنود.

پس ابتداء کند و صحف آدم و شیث را بخواند، امّت آدم و شیث
 گویند که این است و اللّٰه صحف آدم و شیث که هیچ تغییر نیافته است، و
 خواند بر ما از آن صحف آنچه نمی دانستیم.

پس بخواند صحف نوح و صحف ابراهیم و تورات موسی و انجیل
 عیسی و زبور داود را، پس علمای آن ملت ها همه شهادت دهند که این
 است آن کتابها به نحوی که از آسمان نازل شده بود و تغییر نیافته است، و
 آنچه از مافوت شده بود و به ما نرسیده بود همه را بر ما خواند.

پس بخواند قرآن را به نحوی که حقّ تعالی بر حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - نازل ساخته بی آنکه تغییر یافته باشد و تبدیل یافته باشد چنانچه در قرآن‌های دیگر شد.

[حکایت بشیر و نذیر]

پس در این حال شخصی بیاید به خدمت آن حضرت که رویش به جانب پشت گشته باشد و بگوید که ای سیّد من، منم بشیر، و امر کرد مرا ملکی از ملائکه که به خدمت تو بیایم و تو را بشارت دهم به هلاک شدن لشکر سفیانی.

پس حضرت فرماید که قصه خود را و برادرت را برای مردم نقل کن. بشیر گوید من و برادرم در میان لشکر بودیم و خراب کردیم دنیا را از دمشق تا بغداد، و کوفه را خراب کردیم، و مدینه را خراب کردیم و منبر را درهم شکستیم و استرهای ما در میان مسجد مدینه سرگین انداختند، پس بیرون آمدیم و مجموع لشکرهای ما سیصد هزار کس بودند و متوجّه شدیم که کعبه را خراب کنیم و اهلش را به قتل رسانیم، پس به صحرای پیدا رسیدیم که در حوالی مدینه طیبه است، آخر شب فرود آمدیم، پس صدائی از آسمان آمد که ای پیدا هلاک گردان این گروه ستمکاران را! پس زمین شکافته شد و تمام لشکرها را با چهارپایان و اموال و اسباب فرو برد، و کسی و چیزی نماند به غیر از من و برادرم در روی زمین.

ناگاه ملکی به نزد ما آمد و روهای ما را به پشت گردانید چنانچه

می بینی، پس با برادرم گفت ای محمّد نذیر برو به نزد سفیانی ملعون در دمشق و او را بترسان به ظاهر شدن مهدی آل محمّد - علیهم السلام - و خبر ده او را که لشکرش را حقّ تعالی به پیدا هلاک گردانید، و با من گفت ای بشیر ملحق شو به حضرت مهدی - علیه السلام - در مکه و او را بشارت ده در هلاک شدن ظالمان و توبه کن بر دست آن حضرت که توبه تو را قبول می فرماید.

پس حضرت دست مبارک را بر روی بشیر بمالد و به جانب اولی برگردد و با آن حضرت بیعت کند و در لشکر آن حضرت بماند.

[بیعت ملائکه و جنّ با حضرت مهدی (عج)]

مفضل پرسید که: ای سیّد من ملائکه و جنّ در آن زمان بر مردم ظاهر خواهند شد؟

فرمود که: بلی واللّه ای مفضل و با ایشان گفتگو خواهند کرد چنانچه مردی با اهل و یاران خود صحبت دارد.

مفضل گفت که: ملائکه و جنّ با او خواهند بود؟

فرمود: بلی واللّه ای مفضل و آن حضرت با آن گروه فرود خواهند آمد در زمین هجرت مابین نجف و کوفه، و عدد اصحابش در آن وقت چهل و شش هزار از ملائکه خواهند بود و شش هزار از جنّ و به روایت دیگر چهل و شش هزار از جنّ و خدا با این لشکر او را بر عالم ظفر خواهد داد.

[عمل حضرت مهدی (عج) با اهل مکه]

مفضل پرسید که: آن حضرت با اهل مکه چه خواهد کرد؟
فرمود که: اول ایشان را به حکمت و موعظه به حق دعوت خواهد کرد، پس چون اطاعتش کنند شخصی از اهل بیت خود را خلیفه گرداند بر ایشان و بیرون آید و متوجه مدینه طیبه شود.

[تخریب مکه و بنای مجدد آن]

مفضل پرسید که: خانه کعبه را چه خواهد کرد؟
فرمود که خراب خواهد کرد و از بنائی که حضرت ابراهیم و حضرت اسمعیل گذاشته بودند بنا می کند و می سازد، و بناهای ظالمان را در مکه و مدینه و عراق و سایر اقالیم خراب می کند و از اساس اولش بنا می کند و می سازد و مسجد کوفه را نیز خراب می کند و از اساس اولش بنا می کند و قصر کوفه را نیز خراب می کند که هر که او را بنا نهاده ملعون است.

[عدم امامت حضرت مهدی در مکه معظمه]

و گذشته شدن والیان حضرت در آن جا]

مفضل پرسید که: در مکه معظمه اقامت خواهد نمود؟
فرمود: نه ای مفضل بلکه شخصی از اهل بیت خود را در آنجا جانشین خواهد کرد، و چون از مکه بیرون آید اهل مکه خلیفه آن حضرت را به قتل رسانند پس حضرت باز بسوی مکه معاودت نماید،

پس بیایند به خدمت آن حضرت سر در زیر افکنده و گریان و تضرّع کنند و گویند: ای مهدی آل محمد توبه می‌کنیم توبه ما را قبول فرما! پس ایشان را پند دهد و از عقوبات دنیا و آخرت بترساند و از اهل مکه شخصی را بر ایشان والی کند و بیرون آید، و باز آن والی را بکشند آنگاه یاوران خود را از جنّ و نقباء بسوی ایشان برگرداند که به ایشان بگویند که برگردند به حقّ، پس هر که ایمان بیاورد او را ببخشد و هر که ایمان نیاورد او را به قتل رساند، پس چون عسکر فیروزی اثر بسوی مکه باز گردند از صد کس یک کس ایمان نیاورد بلکه از هزار کس یک کس ایمان نیاورد.

[جایگاه حضرت مهدی (عج)]

مفضّل پرسید که: ای مولای من خانه حضرت مهدی و محل اجماع مؤمنان کجا خواهد بود؟

فرمود که: پایتخت آن حضرت شهر کوفه خواهد بود و مجلس دیوان و حکمش مسجد کوفه خواهد بود، و محل جمع بیت‌المال و قسمت غنیمتها مسجد سهله و موضع خلوتش نجف اشرف خواهد بود.

[اقامت مؤمنان در کوفه]

مفضّل پرسید که: جمیع مؤمنان در کوفه خواهند بود؟ فرمود که: بلی واللّه هیچ مؤمنی نباشد مگر آنکه در کوفه باشد یا در حوالی کوفه باشد یا دلش مایل به کوفه باشد و در آن زمان قیمت جای خوابیدن یک گوسفند

در کوفه دو هزار درهم باشد، و در آن زمان شهر کوفه وسعتش به قدر پنجاه و چهار میل - یعنی هیجده فرسخ - باشد و قصرهای کوفه به کربلای معلی متصل گردد، و حقّ تعالی کربلا را پناه و جایگاه گرداند که پیوسته محلّ آمد و شد ملائکه و مؤمنان باشد، حقّ تعالی آن زمین مقدّس را بسیار بلند مرتبه گرداند و چندان از برکات و رحمتها در آن قرار دهد که اگر مؤمنی در آنجا بایستد و بخواند خدا را هر آینه به یک دعا مثل هزار مرتبه ملک دنیا به او کرامت فرماید.

[وجه تفاخر کربلا بر مکه]

پس حضرت امام جعفر صادق - علیه السّلام - آهی کشیدند و فرمودند: ای مفضل بدرستی که بقعه‌های زمین با یکدیگر مفاخرت کردند، پس کعبه معظمه بر کربلای معلی فخر کرد، حقّ تعالی وحی کرد به کعبه که ساکت شو و فخر مکن بر کربلا بدرستی که آن بقعه مبارکه‌ای است که در آنجا ندای «انی انا الله»^(۱) از شجره مبارکه به موسی رسید، و آن همان مکان بلند است که مریم و عیسی را در آنجا جای دادم، و در موضعی که سر مبارک حضرت امام حسین - علیه السّلام - را بعد از شهادت شستند و در همان موضع حضرت مریم عیسی روح الله را در وقت ولادت غسل داد و خود در آنجا غسل کرد، و آن بهترین بقعه‌ایست که حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - از آنجا عروج نمود و خیر و رحمت بی پایان برای شیعیان ما در آنجا مهیا است تا ظاهر شدن حضرت

قائم، علیه السّلام.

[ورود حضرت مهدی به مدینه و وقایع پس از آن]

مفضّل گفت: ای سیّد من پس حضرت صاحب الامر دیگر به کجا متوجّه خواهد شد؟

فرمود که: بسوی مدینه جدّم رسول خدا - صلی الله علیه و آله - و چون وارد مدینه شود امری عجیب از او به ظهور خواهد آمد که موجب شادی مؤمنان و خواری کافران گردد.

مفضّل پرسید که: آن چه امری است؟

فرمود که: چون به نزد قبر جدّ بزرگوار خود رسد گوید که: ای گروه خلائق این قبر جدّ من رسول خدا است گویند: بلی ای مهدی آل محمّد - علیهم السّلام - گوید که: کیستند اینها که با او دفن کرده‌اند گویند دو مصاحب و هم خوابه او ابوبکر و عمر.

پس حضرت صاحب در حضور خلق از روی مصلحت پرسد که کیست ابوبکر و کیست عمر و به چه سبب ایشان را از میان جمیع خلائق با جدّم دفن کرده‌اند و گاه باشد که دیگری باشد که در اینجا مدفون شده باشد.

پس مردم گویند: ای مهدی آل محمّد غیر ایشان کسی در اینجا مدفون نیست، ایشان را برای همین در اینجا دفن کرده‌اند که خلیفه رسول خدا و پدر زنان آن حضرت بودند.

پس فرماید: آیا کسی هست که اگر ببیند ایشان را بشناسد؟

گویند: بلی ما به صفت می شناسیم.

باز فرماید که: آیا کسی هست که شک داشته باشد در اینکه ایشان اینجا مدفونند؟
گویند: نه.

پس بعد از سه روز امر فرماید که دیوار را بشکافند و هر دو را از قبر بیرون آورند، پس هر دو را با بدن تازه به در آورد به همان صورت که داشته اند، پس بفرماید که کفن‌ها را از ایشان به در آورند و بگشایند و ایشان را به حلق کشند بر درخت خشکی، پس برای امتحان خلق در حال آن درخت سبز شود و برگ برآورد و شاخه‌هایش بلند شود.

پس جمعی که ولایت ایشان داشته اند گویند که این است واللّه شرف و بزرگی و ما رستگار شدیم به محبت ایشان. و چون این خبر منتشر شود هر که در دل به قدر حبه‌ای از محبت ایشان داشته باشد حاضر شود.

پس منادی از جانب قائم - علیه السلام - ندا کند که هر که این دو مصاحب و دو هم‌خوابه رسول خدا را دوست می دارد از میان مردم جدا شود و به یک طرف بایستد پس خلق دو طایفه شوند، یکی دوستدار ایشان و یکی لعنت کننده بر ایشان.

پس حضرت فرماید: بر دوستان ایشان که بیزاری جوئید از ایشان و اگر نه به عذاب الهی گرفتار می شوید.

ایشان جواب گویند: ای مهدی آل رسول - علیهم السلام - ما پیش از آنکه بدانیم که ایشان را نزد خدا قرب و منزلتی هست از ایشان بیزاری نکردیم، چگونه امروز بیزار شویم از ایشان و حال آنکه کرامت بسیار از

ایشان بر ما ظاهر شد و دانستیم که مقرّبان درگاه حقّند، بلکه از تو بیزاریم و از هر که به تو ایمان آورده است و از هر که ایمان به ایشان نیاورده است و از هر که ایشان را به این خواری به در آورده و بردار کشیده است. پس حضرت مهدی امر فرماید باد سیاهی را که به ایشان وزد و ایشان را به هلاکت رساند.

پس فرماید که: آن دو ملعون را به زیر آورند و ایشان را به قدرت الهی زنده گردانند، و امر فرماید خلائق را که جمع شوند، پس هر ظلمی و کفری که از اوّل عالم تا آخر شده گناهش را بر ایشان لازم آورد و زدن سلمان فارسی را و آتش افروختن به در خانه امیرالمؤمنین - علیه السّلام - و فاطمه و حسن و حسین - علیهم السّلام - برای سوختن ایشان و زهر دادن امام حسن و کشتن امام حسین و اطفال ایشان و پسر عمان ایشان و یاران او و اسیر کردن ذریه رسول و ریختن خون آل محمّد در هر زمانی و هر خونی که به ناحق ریخته شده و هر فرجی که به حرام جماع شده و هر سودی و حرامی که خورده شده و هر گناهی و ظلمی و جوری که واقع شده تا قیام قائم آل محمّد - صلی الله علیه و آله - همه را به ایشان بشمارند که از شما شده و ایشان اعتراف کنند. زیرا که اگر در روز اوّل غصب حقّ خلیفه به حقّ نمی کردند اینها نمی شد.

پس امر فرماید که از برای هر مظالم هر که حاضر باشد از ایشان قصاص نماید. پس ایشان را بفرماید که از درخت برکشند و آتشی را فرماید که از زمین بیرون آید و ایشان را بسوزاند با درخت، و بادی را امر فرماید که خاکستر آنها را به دریا پاشد.

مفضل گفت: ای سید من این آخر عذاب ایشان خواهد بود؟
 فرمود که: هیئات ای مفضل و الله که سید اکبر محمد رسول الله
 - صلی الله علیه و آله - و صدیق اکبر امیرالمؤمنین - علیه السلام - و
 فاطمه زهراء - سلام الله علیها - و حسن مجتبی - علیه السلام - و حسین
 شهید - علیه السلام - به کربلا و جمیع ائمه هدی - علیهم السلام - همگی
 زنده خواهند شد، و هر که ایمان محض خالص داشته و هر که کافر
 محض بوده همگی زنده خواهند شد، و از برای جمیع ائمه و مؤمنان
 ایشان را عذاب خواهند کرد حتی آنکه در شبانه روز هزار مرتبه ایشان را
 بکشند و زنده کنند، پس خدا به هر جا که خواهد آنها را ببرد و معذب
 گرداند.

پس از آنجا حضرت مهدی متوجه کوفه شود و در میان کوفه و
 نجف فرود آید با چهل و شش هزار ملک و چهل و شش هزار جن و
 سیصد و سیزده تن از نقباء.

[احوال زوراء]

مفضل پرسید که: زوراء - که بغداد باشد - در آن وقت چگونه خواهد
 بود؟

فرمود که: محل لعنت و غضب الهی خواهد بود، و وای بر کسی که
 در آنجا ساکن باشد از علمهای زرد و از علمهای مغرب و از علمهایی که
 از نزدیک و دور متوجه آن می گردد.

و الله که بر آن شهر نازل شود اصناف عذابها که بر امتهای گذشته

واقع شده است، و عذابی چند بر آنها نازل شود که چشمها ندیده و گوشها نشنیده باشد و طوفانی که بر اهلش نازل خواهد شد طوفان شمشیر خواهد بود، واللّٰه که یک وقتی چنان آباد شود بغداد که گویند در دنیا همین است و گویند قصرها و خانه‌های بهشت است و دخترانش حورالعین‌اند، و پسرانش ولدان بهشت‌اند و گمان کنند که خدا روزی بندگان را قسمت نکرده است مگر در آن شهر.

و ظاهر شود در آن شهر از افتراء به خدا و رسول و حکم به ناحق و گواهی به ناحق و شراب خوردن و زنا کردن و مال حرام خوردن و خون ناحق ریختن آن قدر که در تمام دنیا آن قدر نباشد، پس خدا خراب کند آن را به این فتنه‌ها و لشگرها به مرتبه‌ای که اگر کسی گذرد و نشان دهد که اینجا زمین آن شهر است کسی قبول نکند.

[خروج سید حسنی]

پس خروج کند جوان خوش روی حسنی به جانب دیلم و قزوین و به آواز فصیح ندا کند که به فریاد رسید ای آل محمد - صلی الله علیه و آله - مضطرب بی چاره را که از شما یاری می‌طلبید.

پس اجابت نماید او را گنجهای خدا در طالقان چه گنجها نه از نقره و نه از طلا، بلکه مردی چند مانند پاره‌های آهن در شجاعت و عزم و صلابت بر یابوهای اشهب سوار، همه مکمل و مسلح، و پیوسته بکشند ظالمان را تا به کوفه درآید در وقتی که اکثر زمین را از کافران پاک کرده باشد، پس در کوفه ساکن می‌شوند و به او خبر می‌رسد که مهدی و

اصحابش به نزدیک کوفه رسیده‌اند پس به اصحاب خود می‌گوید که بیائید برویم و ببینیم که این مرد کیست و چه می‌خواهد. و الله که خود می‌داند که مهدی آل محمد است اما مطلب او آن است که بر اصحاب خود ظاهر سازد حقیقت آن حضرت را.

[رویارویی سید حسنی با حضرت مهدی (عج)]

پس حسنی در برابر حضرت مهدی - علیه‌السلام - می‌ایستد و می‌گوید که: اگر راست می‌گوئی که توئی مهدی آل محمد - صلی الله علیه و آله - کجا است عصای جدّت رسول خدا و انگشتر او و برد و زرّه او - که فاضل می‌نامیدند آن را - و عمامه‌اش - که سحاب می‌گفتند - و اسبش - که یربوع می‌گفتند - و ناقه‌اش - که غضبا می‌گفتند - و حمارش - که یعفور می‌نامیدند - و براق؟ و کو مصحف امیرالمؤمنین که بی‌تغییر و تبدیل جمع کرد.

پس همه را حضرت مهدی - علیه‌السلام - حاضر سازد حتی عصای آدم و نوح و ترکه هود و صالح و مجموعه ابراهیم و صاع یوسف و کیل و ترازوی شعیب و عصای موسی و تابوت موسی و زرّه و انگشتر سلیمان و تاج او و اسباب عیسی و میراث جمیع پیغمبران.

پس حضرت مهدی - علیه‌السلام - عصای حضرت رسول را بر سنگ صلبی نصب کند و در ساعت درخت بزرگی شود که جمیع لشکر در زیر سایه آن باشند.

پس حسنی گوید: الله اکبر دست خود را دراز کن که با تو بیعت کنم

ای فرزند رسول خدا.

پس حضرت دست دراز کند که سیّد حسنی و جمیع لشکرش بیعت کنند به غیر از چهل هزار نفر از زیدیّه که با لشکر او باشند و مصحفها در گردن حمایل کرده باشند، آنها گویند که اینها سحر بزرگی بود، پس حضرت مهدی - علیه السّلام - هرچند ایشان را پند دهد و معجزات نماید سودی نبخشد تا سه روز، پس فرماید تا همه را به قتل رسانند.

[ارسال لشکر به طرف سفیانی]

مفضّل پرسید که دیگر چه خواهد کرد؟

فرمود که: لشکرها بر سر سفیانی خواهد فرستاد تا آنکه او را بگیرند در دمشق و بر روی صخره بیت المقدس ذبح نمایند.

[رجعت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)]

پس حضرت امام حسین - علیه السّلام - ظاهر شود با دوازده هزار صدیق و هفتاد و دو نفر که با آن حضرت شهید شدند در کربلا، و هیچ رجعتی از این رجعت خوشتر نیست.

پس بیرون آید صدیق اکبر امیر المؤمنین علی بن ابیطالب - علیه السّلام - و برای او قبه‌ای در نجف اشرف نصب کنند که یک رکش در نجف اشرف باشد و یکی در بحرین و یکی در صنعای یمن و چهارم در مدینه طیبه و گویا می بینم قندیلها و چراغهایش را که آسمان و زمین را روشنی می دهد زیاده از آفتاب و ماه.

پس بیرون می آید سید اکبر، محمد رسول الله - صلی الله علیه و آله - با هر که ایمان آورده باشد به آن حضرت از مهاجر و انصار و غیر ایشان و هر که در جنگهای ایشان شهید شده باشد.

پس زنده می کند جمعی را که تکذیب آن حضرت کرده بودند و شک می کردند در حقیقت او یا رد گفته او می نمودند می گفتند کاهن است و ساحر است و دیوانه است و به خواهش خود سخن می گوید.

و هر که با او جنگ کرده باشد همه را به جزای خود می رساند.

و همچنین برمی گرداند یک یک از ائمه را تا صاحب الامر - علیه السلام - و هر که یاری ایشان کرده تا خوشحال شوند و هر که از ایشان دوری کرده، تا آنکه پیش از آخرت به عذاب و خواری دنیا مبتلا گردند، و در آن وقت ظاهر می شود تاویل آیه کریمه که ترجمه اش گذشت: ﴿و نرید ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض﴾^(۱).

[مراد از فرعون و هامان در آیه کریمه]

مفضل پرسید که: مراد از فرعون و هامان در این آیه چیست؟
حضرت فرمود که: مراد ابوبکر و عمر است.

[تبلیغ اسلام به تمام جایها]

مفضل پرسید که حضرت رسول خدا - صلی الله علیه و آله - و

امیرالمؤمنین با حضرت صاحب الامر - علیه السلام - خواهند بود؟
فرمود که: بلی ناچار است که ایشان جمیع زمین را بگردند حتی پشت
کوه قاف و آنچه در ظلمات است و جمیع دریاها، را تا آنکه هیچ موضعی
از زمین نماند مگر آنکه ایشان طی نمایند و دین خدا را در آنجا برپا
دارند.

[شکایت ائمه اطهار (ع) و حضرت فاطمه (س)]

به حضرت رسول (ص)

پس فرمود که گویا می بینم ای مفضل آن روز را که ما گروه امامان نزد
جَدّ خود رسول خدا - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ - ایستاده باشیم و به آن
حضرت شکایت کنیم از آنچه بر ما واقع شد از اَمّت جفاکار بعد از وفات
آن حضرت، و آنچه به ما رسانیدند از تکذیب و ردّ گفته های ما و دشنام
دادن و لعن کردن ما و ترسانیدن ما به کشتن و به در بردن خلفای جور ما را
از حرم خدا و رسول به شهرهای ملک، خود و شهید کردن ما به زهر و
محبوس گردانیدن ما.

پس حضرت رسالت پناه گریان شود و بفرماید که: ای فرزندان من
نازل نشده است به شما مگر آنچه به جَدّ شما پیش از شما واقع شده بود.

[شکایت حضرت فاطمه]

پس ابتداء کند حضرت فاطمه - علیها سلام - و شکایت کند از ابوبکر
و عمر که فدک را از من گرفتند و چندان که حجّتها بر ایشان اقامه کردم

سود نداد، و نامه‌ای که تو برای من نوشته بودی برای فدک عمر گرفت در حضور مهاجر و انصار و آب دهن نجس خود را بر آن انداخت و پاره کرد. و من بسوی قبر تو آمدم ای پدر و شکایت کردم و ابوبکر و عمر بسوی سقیفه بنی ساعده رفتند و با منافقان اتفاق کردند و خلافت را از شوهر من امیرالمؤمنین - علیه السلام - غصب کردند.

پس چون که آمدند او را به بیعت ببرند و او ابا کرد هیزم بر در خانه ما جمع کردند که اهل بیت رسالت را بسوزانند.

پس من صدا در دادم که: ای عمر این چه جرأت است که بر خدا و رسول می‌نمائی که نسل پیغمبر را از زمین براندازی؟

عمر گفت: بس کن ای فاطمه که محمد حاضر نیست که ملائکه بیایند و امر و نهی از آسمان بیاورند علی را بگو بیاید و بیعت کند و اگر نه آتش می‌اندازم در خانه و همه را می‌سوزانم.

پس من گفتم: خداوندا من به تو شکایت می‌کنم اینکه پیغمبر تو از میان رفته و امتش همه کافر شده‌اند و حق ما را غصب می‌کنند.

پس عمر صدا زد که: حرفهای احمقانه زنان را بگذار که خدا پیغمبری و امامت را هر دو به شما نداده است.

پس عمر تازیانه‌ای زد و دست مرا شکست و در بر شکم من زد و فرزند محسن نام شش ماهه از من سقط شد و من فریاد می‌کردم که وای ابتاه وای رسول خدا! دختر تو فاطمه را دروغگو می‌نامند و تازیانه بر او می‌زنند و فرزندش را شهید می‌کنند و خواستم که گیسو بگشایم امیرالمؤمنین دوید و مرا به سینه خود چسبانید.

و گفت: ای دختر رسول خدا پدرت رحمت عالمیان بود به خدا سوگند می‌دهم تو را که مقنعه از سر نگشائی و سر به آسمان بلند نکنی واللّه که اگر بکنی یک جنبنده در زمین و یک پرنده در هوا نمی‌ماند، پس برگشتم و از آن درد و آزار شهید شدم.

[شکایت حضرت علی(ع)]

پس حضرت امیرالمؤمنین - علیه‌السلام - شکایت کند که چندین شب با حسنین به خانه مهاجر و انصار رفتم از آنهایی که تو مکرّر به بیعت خلافت مرا از ایشان گرفته بودی و از ایشان طلب یاری کردم و همه وعده یاری کردند و چون صبح شد هیچکس به یاری من نیامد و بسی محنتها از ایشان کشیدم، و قصه من مثل قصه هارون بود در میان بنی اسرائیل که با موسی گفت که ای فرزند مادر من بدرستی که قوم تو مرا ضعیف گردانیدند و نزدیک بود که مرا بکشند.

پس صبر کردم از برای خدا و آزار چند کشیدم که هیچ وصی پیغمبری از امت او مثل آن نکشیده تا آنکه مرا شهید کردند به ضربت عبدالرحمن بن ملجم.

[شکایت حضرت امام حسن(ع)]

پس حضرت امام حسن - علیه‌السلام - برخیزد و گوید که ای جدّ چون خبر شهادت پدرم به معاویه رسید زیاد ولد الزنا را با صد و پنجاه هزار کس به جانب کوفه فرستاد که من و برادرم حسین و سایر برادران و

اهالی مرا بگیرند تا بیعت کنیم با معاویه، و هر که قبول نکند گردنش را بزنند و سرش را برای معاویه بفرستند.

پس من به مسجد رفتم و خطبه خواندم و مردم را نصیحت کردم و ایشان را به جنگ معاویه خواندم، به غیر از بیست کس کسی جواب مرا نگفت. پس رو به آسمان کردم و گفتم خداوندا تو گواه باش که ایشان را دعوت کردم و از عذاب تو ترسانیدم و امر و نهی کردم و ایشان مرا یاری نکردند و در فرمانبرداری تو و من مقصّر شدند! خداوندا تو بفرست بر ایشان بلا و عذاب خود را.

پس از منبر به زیر آمدم و ایشان را واگذاشتم و به جانب مدینه روان شدم.

پس آمدند به نزد من و گفتند اینک معاویه لشکرها به انبار و کوفه فرستاده است و مسلمانان را غارت کرده‌اند و زنان و اطفال بیگناه را کشته‌اند بیا تا با ایشان جهاد کنیم.

پس گفتم به ایشان که شما را وفائی نیست و جمعی با ایشان فرستادم و گفتم که به نزد معاویه خواهید رفت و بیعت مرا خواهید شکست و مرا مضطرّ خواهید کرد که با معاویه صلح کنم آخر نشد مگر آنچه من ایشان را خبر داده بودم.

[شکایت حضرت امام حسین(ع)]

پس برخیزد امام شهید حسین بن علی - علیهما السلام - با خون خود خضاب کرده با جمیع شهدائی که با او شهید شدند.

پس چون حضرت رسول - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ - نظرش بر او افتد گریه کند و جمیع اهل آسمان ها بگریه آن حضرت گریه کنند و حضرت نعره ای بزند که زمین بلرزد. و حضرت امیرالمؤمنین و امام حسن - عَلَیْهِمَا السَّلَام - از جانب راست حضرت رسول - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ - بایستند و حضرت فاطمه - عَلَیْهَا السَّلَام - از جانب چپ آن حضرت پس امام حسین شهید نزدیک آید حضرت رسول - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ - او را به سینه خود بچسباند و بگوید فدای تو شوم ای حسین دیده تو روشن باد و دیده من درباره تو روشن باد!

و از جانب راست حضرت امام حسین - عَلَیْهِ السَّلَام - حمزه سیدالشهداء باشد و از جانب چپ او جعفر طیار.

و محسن را، حضرت خدیجه و فاطمه بنت اسد مادر امیرالمؤمنین برداشته بیاورند فریاد کنان و حضرت فاطمه آیه ای تلاوت فرماید که این است ترجمه ظاهر لفظش «این است آن روز که به شما وعده می دادند امروز می باید هر نفسی آنچه کرده است از کار خیر حاضر گردانیده شده و آنچه کرده است از کار بد آرزو می کند که کاش میان او و آن کار زشت او فاصله دوری باشد».

پس حضرت امام جعفر صادق - عَلَیْهِ السَّلَام - بسیار گریست و فرمود که روشن مباد دیده ای که نزد ذکر این قصه گریان نگردد.

[دعای حضرت فاطمه (س)]

پس مفضل گریست و گفت: ای مولای من چه ثواب دارد گریستن بر

ایشان؟

فرمود که: غیر متناهی اگر شیعه باشد.

مفضل پرسید که: دیگر چه خواهد شد؟

پس فرمود که: حضرت فاطمه برخیزد و گوید: خداوندا وفا کن به وعده‌ای که با من کرده‌ای در باب آنها که بر من ظلم کرده‌اند و حق مرا غصب کردند و مرا زدند و به جزع آوردند به ستم‌هایی که بر جمیع فرزندان من کردند، پس بگیرند بر او ملائکه آسمانهای هفتگانه و حاملان عرش الهی و هر که در دینا است و هر که در تحت الثری است، همگی خروش برآورند، پس نمایند احدی از کشندگان ما و ستمکاران بر ما و آنها که راضی بودند به ستمهای ما مگر هزار مرتبه در آن روز کشته شوند.

[رجعت ائمه غیر از پادشاهی آنان است]

مفضل گوید که: عرض کردم که ای مولای من جمعی از شیعیان شما هستند که قائل نیستند که شما و دوستان شما و دشمنان شما در آن روز زنده خواهید شد؟

فرمود که: مگر نشنیده‌اند سخن جدّ ما رسول الله را و سخن ما اهل بیت را که مکرّر خبر داده‌ایم از رجعت مگر نشنیده‌اید این آیه را که: ﴿وَلَنَذِقْنَهُمُ مِنَ الْعَذَابِ الْآدِنِيِّ دُونَ الْعَذَابِ الْاَكْبَرِ﴾^(۱)، فرمود که: عذاب پست‌تر عذاب رجعت است و عذاب بزرگتر عذاب قیامت است.

پس حضرت فرمود که: پس جمعی از شیعیان که در شناخت ما
تقصیر کرده‌اند می‌گویند که معنی رجعت آن است که پادشاهی به ما
برگردد و مهدی ما پادشاهی کند، وای بر ایشان کی پادشاهی دین و دنیا
را از ما گرفته است تا به ما برگردد و پادشاهی نبوت و امامت و وصایت
همیشه با ما است.

ای مفضل اگر تدبّر نمایند شیعیان ما در قرآن هر آینه در فضیلت ما
شکّ نکنند مگر نشنیده‌اند این آیه را که: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ
اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ...﴾^(۱) - که ترجمه‌اش گذشت. - واللّه که تنزیل این
آیه در بنی اسرائیل است و تأویلش در رجعت ما اهل بیت است و فرعون
و هامان ابوبکر و عمرند.

[شکایت حضرت سجّاد (ع) و حضرت محمد باقر (ع)]

پس فرمود بعد از آن برخیزد جدّم علیّ بن الحسین - علیهما السّلام -
و پدرم امام محمد باقر - علیه السّلام - پس شکایت کنند به جدّ خود
رسول خدا آنچه از ستمکاران به ایشان واقع شده است.

[شکایت بقیه ائمه (ع)]

پس برخیزم من و شکایت کنم آنچه از منصور دوانیقی به من رسیده
است.

پس برخیزد فرزندانم امام موسی و شکایت کند به جدش از هارون الرشید.

پس برخیزد علی بن موسی الرضا و شکایت کند از مأمون.
 پس برخیزد امام محمد تقی و شکایت کند از مأمون ملعون و غیر او.
 پس برخیزد امام علی النقی و شکایت کند از متوکل.
 پس برخیزد امام حسن عسکری و شکایت کند از معتز.
 پس برخیزد مهدی آخر الزمان هم نام جدش حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - با جامه خون آلود محمد - صلی الله علیه و آله - در روزی که پیشانی نورانش را در جنگ احد مجروح کردند و دندان مبارکش را شکستند و به خون آلوده شد و ملائکه بر دور او باشند تا بایستد پیش جد امجدش و بگوید مرا وصف کردی برای مردم دلالت فرمودی و نام و نسب و کنیت مرا از برای ایشان بیان کردی پس امت تو انکار حق من کردند و اطاعت من نکردند و گفتند متولد نشده است و نیست و نخواهد بود یا گفتند مرده است و اگر می بود اینقدر غایب نمی ماند، پس صبر کردم از برای خدا تا الحال که حق تعالی مرا رخصت فرمود که ظاهر شوم.

پس حضرت فرماید که: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَ أَوْثَقَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنَعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ﴾^(۱)، و گوید که آمد یاری و فتح الهی ظاهر شد گفته حق تعالی ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ

بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون»^(۱). پس بخواند «انا فتحنا لک فتحاً مبیناً لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک و ما تأخر و یتیم نعمته علیک و یهدیک صراطاً مستقیماً و ینصرک الله نصراً عزیزاً»^(۲).

[مراد از گناه حضرت ختمی مرتبت]

مفضّل پرسید که: چه گناه داشت حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - که حقّ تعالی می فرماید که: تا پیامرزد از برای تو حقّ تعالی آنچه گذشته است از گناهان تو و آنچه مانده است و بعد از این خواهد شد؟ حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - فرمود: ای مفضّل رسول خدا دعا کرد که خداوند شیعیان برادر من علی بن ابیطالب و شیعیان فرزندان من که اوصیاء منند گناهان گذشته و آینده ایشان را تا روز قیامت بر من بار کن، و مرا در میان پیغمبران به سبب گناهان شیعیان رسوا مکن، پس حقّ تعالی گناهان شیعیان را بر آن حضرت بار کرد و همه را برای آن حضرت آمرزید.

پس مفضّل بسیار گریست و گفت ای سید من اینها فضل خدا است بر ما به برکت شما امامان ما؟

حضرت فرمود که: ای مفضّل این مخصوص تو و امثال تو است از شیعیان خالص، و این حدیث را نقل نکن برای جماعتی که در معصیت

۱ - توبه / ۳۳، صف / ۹

۲ - فتح / ۱-۳

خدا رخصت می طلبند و بهانه می جویند! پس اعتماد بر این فضیلت می کنند و ترک عبادت می کنند و ما هیچ فایده به حال ایشان نمی توانیم رسانید، زیرا که حق تعالی می فرماید که شفاعت نمی کنند مگر از برای کسی که پسندیده باشد، و شفیعان از خشیت الهی ترسانند.

[غلبه اسلام بر تمام ادیان در رجعت]

مفضل پرسید که: این آیه که حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - خواند که ﴿لِيُظْهَرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^(۱) مگر آن حضرت بر همه دینها هنوز غالب نشده اند؟

فرمود: ای مفضل اگر بر همه غالب شده بود مذهب یهود و نصاری و مجوس و صابثان و غیر ایشان از دینهای باطل در زمین نمی ماند بلکه این در زمان مهدی و رجعت حضرت رسول خواهد بود و این آیه نیز در آن زمان به عمل خواهد آمد ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ﴾^(۲)

[بارش طلا و جواهرات بر حضرت مهدی]

پس حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - فرمود که: برگردد حضرت مهدی بسوی کوفه و حق سبحانه و تعالی از آسمان به شکل ملخ از طلا بر ایشان بباراند چنانچه بر حضرت ایوب بارید و قسمت

۱ - توبه / ۳۳

۲ - انفال / ۳۹

نماید به اصحابش گنجهای زمین را از طلا و نقره و جواهر.

[ادای قرض شیعیان توسط حضرت مهدی]

مفضّل پرسید که: اگر یکی از شیعیان شما بمیرد و قرضی از برادران مؤمن در ذمه او باشد چگونه خواهد بود؟

حضرت فرمود که: اوّل مرتبه حضرت مهدی - علیه السّلام - ندا فرماید در تمام عالم که هر که قرضی بر یکی از شیعیان ما داشته باشد بیاید و بگوید پس همه را به دو ادا فرماید حتّی یک دانه سیر و یک دانه خردل.

و این حدیث از این طولانی تر است و ما به این قدر که مناسب این مقام بود اکتفا کردیم.